

دوازده طرح نسخ سزانی برای پیشین ما

نمونه بیان

پیاده شده بیانات آقای دکتر قدهاری

ویرایش فروردین ۱۴۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، سَيِّمًا مَوْلَانَا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ

مقدمه

از آن جهت که مخاطبین ما افراد متعدد و از طبقات مختلف و با نیازهای گوناگون هستند، بنابراین، سخنرانی ما باید ابعاد مختلفی را در بر بگیرد.

یک سخنرانی ایده آل، سخنرانی است که

اولاً، ابعاد معرفتی و نظری داشته باشد با این هدف که یقین افراد را نسبت به امام زمان عجل الله فرجه افزایش دهد و سؤالات و شبهات موجود در جامعه که در اذهان افراد اثر کرده است پاسخ دهد و ثانیاً، باید بعد عملی در تمسک و پیوند با امام زمان عجل الله فرجه و انتظار ظهور و وظیفه شناسی نسبت به ایشان را در برگیرد و ثالثاً، هم موضوع و هم ادبیات باید متناسب با شنوندگان باشد.

گوینده‌ی باتجربه و پخته کسی است که طرح‌های مختلف سخنرانی را در ذهن دارد، هنگامی که در مجلس وارد می‌شود و مخاطبین را می‌بیند - هر چند از قبل هم با برگزارکنندگان مجلس صحبت داشته و شناختی از مخاطبین را از آنها گرفته است - خود در مواجهه با مخاطبین، طرح دقیق و ادبیات مناسب با جمع را برمی‌گزیند.

البته ما به این مسئله قائلیم که اگر گوینده‌ای برای خدا صحبت کند و اخلاص داشته باشد و با وضو باشد و به امام زمان عجل الله فرجه متوسل باشد و ثواب این کار را هم تماماً به خود ایشان هدیه کند و از ایشان در کارهای خود نیابت نماید، این کار برکت و اثر بیشتری خواهد داشت و از آن جهت که از قلب‌ها برمی‌خیزد، بر قلب‌ها هم خواهد نشست: «آنچه از دل برآید لاجرم بردل نشنید». دوازده طرح سخنرانی از میان طرح‌های مختلف که در عمل تجربه شده و مفید بودن آنها امتحان شده است، به عنوان پیشنهاد معرفی می‌شود.

طرح‌های سخنرانی حاضر در سایت ویکی‌ثقلین (www.wikithaqalayn.com) در صفحه‌ای با عنوان «طرح‌های سخنرانی نیمه‌ی شعبان» آمده است.

فهرست مطالب

۶.....	طرح اول: وجوب معرفت امام زمان <small>علیه السلام</small>
۷.....	بخش اول: روایت معرفت امام زمان <small>علیه السلام</small>
۷.....	بخش دوم: مفهوم روایت.....
۷.....	بخش سوم: بیان اشتراک اعتقاد به امام مهدی <small>علیه السلام</small> در بین مذاهب اسلامی.....
۷.....	بخش چهارم: امام زمان <small>علیه السلام</small> کیست؟.....
۹.....	طرح دوم: ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small> شرط برپایی قیامت.....
۱۰.....	بخش اول مهدویت: اعتقاد مهم اهل سنت.....
۱۰.....	بخش دوم: روایت ابن مسعود درباره‌ی ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small>
۰۱.....	بخش سوم: چرا قیامت بدون ایشان نخواهد بود؟.....
۱۰.....	بخش چهارم: گفتگو درباره‌ی وظایف ما در پیوند و تمسک به امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۱.....	طرح سوم: مدینه‌ی فاضله.....
۱۲.....	بخش اول: اعتقاد منجی در ادیان غیروحنانی.....
۱۲.....	بخش دوم: اعتقاد منجی در ادیان الاهی.....
۱۲.....	بخش سوم: فصل مشترک همه‌ی ادیان.....
۱۳.....	بخش چهارم: برتری اعتقاد به منجی در تشیع.....
۱۳.....	بخش پنجم: وصف امام زمان <small>علیه السلام</small> و وظایف مردم نسبت به ایشان.....
۱۴.....	طرح چهارم: مفهوم انتظار.....
۱۵.....	بخش اول: انتظار منجی در همه‌ی ادیان و مذاهب وجود دارد.....
۱۵.....	بخش دوم: انتظار در مذهب شیعه.....
۱۵.....	بخش سوم: حقیقت این انتظار چیست؟.....
۱۶.....	بخش چهارم: عوامل انتظار.....
۱۶.....	بخش پنجم: آثار انتظار.....
۱۷.....	طرح پنجم: دست‌آوردهای ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small>

بخش اول: معرفی سرانجام صالحان از قرآن	۱۸
بخش دوم: بیان اهدافی که این آیه برای حاکمیت امام زمان <small>علیه السلام</small> برشمرده است	۱۸
بخش سوم: وظیفه‌ی ما در اجرایی شدن و تقریب به این اهداف چگونه است؟	۱۹
طرح هشتم: مفهوم غیبت	۲۰
بخش اول: بیان اهداف	۲۱
بخش دوم: مفهوم غیبت در آیات و روایات	۲۱
بخش سوم: غیبت ایشان به چه معانی نادرست است؟	۲۱
بخش سوم: معنای درست غیبت	۲۲
بخش چهارم: بیان فوائد امام غائب	۲۳
بخش اول: خصوصیات امام زمان <small>علیه السلام</small> از نگاه شیعه	۲۵
بخش دوم: داستان روایت امام صادق <small>علیه السلام</small> خطاب به ابوحنیفه	۵۲
بخش سوم: داستان ملاقاسم علی رشتی و تشرّف او در قبرستان تخت فولاد	۲۵
بخش چهارم: نتیجه‌گیری	۲۶
طرح هشتم: استاندارد خدمت‌گزاری به ساحت مقدس مهدوی	۲۷
نامه‌ی امام جواد <small>علیه السلام</small> به علی بن مهزیار	۲۸
بیان توضیحی روایت	۲۸
درس هائی از این روایت	۲۹
چند نکته در رابطه با این حدیث	۲۹
طرح نهم: سخنرانی شب نیمه شعبان سال ۱۴۳۵	۳۱
در فضائل شب نیمه‌ی شعبان	۳۲
اهمیت اعتقاد به ولایت اهل بیت <small>علیهم السلام</small> در مقابل باقی عبادات	۳۳
جایگاه واسطه‌خواهی به درگاه خداوند	۳۵
بی ارزش بودن اعمال کسانی که ولایت اهل بیت <small>علیهم السلام</small> را ندارند	۳۶
عبادت اولیه و ثانویه	۳۶
معنای سعادت	۳۷
صراط مستقیم	۳۷
مرگ جاهلی	۳۷

۳۸.....	رمزایمان، توجه به امام عصر <small>علیه السلام</small>
۳۹.....	ارتباط معنوی با امام زمان <small>علیه السلام</small>
۴۰.....	طرح دهم: آسیب شناسی مهدویت
۴۱.....	مقدمه
۴۱.....	فرقه های مهدوی موجود جهان اسلام
۴۳.....	مدعیان نیابت
۴۳.....	انحرافات عقیده مهدوی در مذاهب اسلامی
۴۴.....	نتیجه گیری
۴۵.....	منابع مورد مطالعه
۴۶.....	طرح یازدهم: نقد مقدمه ی ابن خلدون در کتاب العبر
۴۷.....	بیوگرافی اولیه ابن خلدون
۴۷.....	آغازگران تضعیف عقیده مهدویت
۴۷.....	چرا مقدمه کتاب العبر مهم است؟
۴۷.....	ادعای گزاف سرداب حله
۴۷.....	بیان ادعا
۴۷.....	آیا شیعه اعتقاد به زندگی امام زمان <small>علیه السلام</small> در سرداب دارد؟
۴۸.....	چرا ابن خلدون اصرار به تضعیف مهدویت دارد؟
۴۹.....	آیا فقط ۷ محدث سنی احادیث مهدوی را گفته اند؟
۴۹.....	راویان احادیث مهدوی در اهل سنت چه کسانی هستند؟
۵۰.....	رد ادعاهای ابن خلدون برای نفی روایات مهدویت
۵۳.....	طرح دوازدهم: فضائل امام زمان <small>علیه السلام</small> - شب نیمه ی شعبان ۱۴۴۰
۵۴.....	شب نیمه ی شعبان و ذکر فضائل امام زمان <small>علیه السلام</small>
۵۵.....	فهرست چهارده فضیلت از فضائل امام زمان <small>علیه السلام</small>



طرح اول: وجوب معرفت امام زمان علیه السلام

بخش اول: روایت معرفت امام زمان علیه السلام

ذکر این روایت به همراه سند: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً». وجود این روایت در مسند احمد حنبل به صورت های مشابه از جهت مفهومی، این روایات در شیعه و سنی به یک معنایند.

بخش دوم: مفهوم روایت

در عبارت «کسی که بمیرد» آیا منظور از این کس مسلمان است یا غیر مسلمان؟ مسلماً منظور فرد مسلمان است. منظور کسی است که معتقد به خدا، معاد، دین و ... است. چرا که اگر در این موارد نقص داشته باشد باز هم «مات مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» این فرد، باید در مبانی ایمانی و اعتقادی کامل باشد. بنابراین، کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است.

بخش سوم: بیان اشتراک اعتقاد به امام مهدی علیه السلام در بین مذاهب اسلامی

اهل سنت در اصل انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام با ما مشترکند. اگر ما ۳۰۰ آیه در حوزه مهدویت داریم، آنها ۱۰۰ آیه دارند. اگر ما ۲۰۰۰ روایت در این حوزه داریم، آنها بیش از ۶۰۰ روایت دارند. بنابراین، اعتقاد به مهدویت، از ضروریات اعتقادات شیعه و سنی است. در روایات اهل سنت است که: «من أنكر خروج المهدي فقد كفر بما أنزل على محمد صلى الله عليه وآله»

بخش چهارم: امام زمان علیه السلام کیست؟

گفتگو درباره‌ی نام ایشان که مشابه نام و کنیه پیامبر صلى الله عليه وآله است. بعضی از دانشمندان نام ایشان را به صورت مُقَطَّع (م ح م د) نقل می کنند. مهدی لقب مشهور ایشان است. به تلفظ درست مهدی هم اشاره شود. این لقب، نشانگر مقام عصمت و علم الهی ایشان است. بیان اجمالی میلاد ایشان — شباهت ولادت ایشان به ولادت حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام. اشاره به امامت ایشان در خردسالی — مانند نبوت حضرت یحیی علیه السلام. — مانند آغاز امامت اجدادشان امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام. — چرا که که کمالات حجج الهی اکتسابی نیست. — کمالات امام علیه السلام به اعطای خداوند و وهبی است. درباره‌ی غیبت ایشان — مانند غیبت حضرت یوسف علیه السلام است. — امام علیه السلام در جامعه چهره‌ای ناشناسند. — مردم ایشان را می بینند ولی ایشان را نمی شناسند. — اشاره به معنای صحیح غیبت. شبیه به حضرت نوح علیه السلام و حضرت خضر علیه السلام. — گفتگو درباره‌ی عمر این دو پیامبر صلى الله عليه وآله. — امام زمان علیه السلام هنوز به عمر حضرت نوح علیه السلام و حضرت خضر علیه السلام نرسیده است. — لذا پیروان ادیان نمی توانند منکر عمر طولانی امام مهدی علیه السلام شوند. — فواید وجودی ایشان در زمان غیبت مانند فواید خورشید پس ابراست. — وظایف ما در قبال امام زمان علیه السلام

طرح اول: وجوب معرفت امام زمان علیه السلام

بخش اول: روایت معرفت امام زمان علیه السلام

- ذکر این روایت به همراه سند: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً».
- وجود این روایت در مسند احمد حنبل به صورت «من مات ولا إمام له» یا «من مات ولا بیعة له»
- از جهت مفهومی، این روایات در شیعه و سنی به یک معنایند.

بخش دوم: مفهوم روایت

- در عبارت «کسی که بمیرد» آیا منظور از این کس مسلمان است یا غیر مسلمان؟
- مسلماً منظور فرد مسلمان است.
- منظور کسی است که معتقد به خدا، معاد، دین و ... است و عامل به احکام است.
- چرا که اگر در این موارد نقص داشته باشد - ولو امامش را بشناسد - «مات مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»
- این فرد، باید در مبانی ایمانی و اعتقادیش کامل باشد.
- بنابراین، کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد، یا به او یقین نداشته باشد و در مقامات او شک داشته باشد، به مرگ جاهلی و نامسلمان مرده است.

بخش سوم: بیان اشتراک اعتقاد به امام مهدی علیه السلام در بین مذاهب اسلامی

- اهل سنت علی رغم تفاوتی که با ما در بحث امامت و ولایت دارند، اما در اصل انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام با ما مشترکند.
- اگر ما ۳۰۰ آیه در حوزه مهدویت داریم، آنها ۱۰۰ آیه دارند.
- اگر ما ۲۰۰۰ روایت در این حوزه داریم، آنها بیش از ۶۰۰ روایت دارند.
- بنابراین، اعتقاد به مهدویت، از ضروریات اعتقادات شیعه و سنی است.
- در روایات اهل سنت است که: «من أنكر خروج المهدي فقد كفر بما أنزل على محمد صلى الله عليه وآله»

بخش چهارم: امام زمان علیه السلام کیست؟

- گفتگو درباره‌ی نام ایشان که مشابه نام و کنیه پیامبر صلى الله عليه وآله است.
- بعضی از دانشمندان ما به اعتبار بعضی از روایات نهی از تسمیه، نام ایشان را در هنگام نقل به صورت مُقَطَّع (م ح م د) نقل می‌کنند.
- مهدی لقب مشهور ایشان است.
- ← به تلفظ درست مهدی هم اشاره شود.
- ← این لقب، نشانگر مقام عصمت و علم الهی ایشان است.
- بیان اجمالی میلاد ایشان
- ← شباهت ولادت ایشان در مخفی بودن به خاطر شرایط ترس و تقیه روزگار، به ولادت حضرت ابراهیم علیه السلام و

حضرت موسیٰ علیه السلام.

■ اشاره به امامت ایشان در خردسالی

- ← مانند نبوت حضرت یحییٰ علیه السلام در کودکی آغاز شده است (یا یحییٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا).
- ← مانند آغاز امامت اجدادشان امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام در عوان کودکی
- ← چرا که که کمالات حجج الاهی اکتسابی نیست که نیازمند گذر ایام و کسب تجارب باشد.
- ← کمالات امام علیه السلام به اعطای خداوند و وهبی است.
- ← هر زمان که خداوند اراده فرماید، در هر سن و سالی از همه ی کمالات امامت بهره مندند.

■ درباره ی غیبت ایشان

- ← مانند غیبت حضرت یوسف علیه السلام است.
- ← اشاره به معنای صحیح غیبت از حساس ترین مباحثی که باید در این سخنرانی ها به آن پرداخته شود.
- ◀ امام علیه السلام در جامعه چهره ای ناشناسند.
- ◀ مردم ایشان را می بینند ولی ایشان را نمی شناسند.

■ عمر طولانی

- ← عمر طولانی ایشان شبیه به حضرت نوح علیه السلام و حضرت خضر علیه السلام است.
- ← گفتگو درباره ی عمر این دو پیامبر علیه السلام.
- ← امام زمان علیه السلام هنوز به نیمی از عمر حضرت نوح علیه السلام و ثلث عمر حضرت خضر علیه السلام نرسیده است.
- ← لذا پیروان ادیان که به این دو پیامبر علیه السلام و عمر طولانی ایشان معتقدند، نمی توانند منکر عمر طولانی امام مهدی علیه السلام شوند.

■ فوائد وجودی ایشان در زمان غیبت مانند فوائد خورشید پس ابراست.

■ وظایف ما در قبال امام زمان علیه السلام

بخش اول مهدویت: اعتقاد مهم اهل سنت

- اهل سنت به امام زمان علیه السلام و ظهور ایشان اعتقاد راسخ دارند.
- دانشمندان آنها حدود ۳۰۰ کتاب مستقل درباره‌ی مهدویت تألیف کرده‌اند.
- ایشان به مذاهب گوناگون اهل سنت هستند.
- همه اجماع در این قضیه (یعنی امام مهدی علیه السلام) دارند.

بخش دوم: روایت ابن مسعود درباره‌ی ظهور امام زمان علیه السلام

- روایت ابن مسعود به چهل طریق از پیامبر صلی الله علیه و آله: «لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ...».
- این روایت، مشهورترین روایات اهل سنت در حوزه‌ی مهدویت است.
- نشان می‌دهد که معاد، بدون ظهور امام زمان علیه السلام نخواهد بود.
- اهل سنت ۲۰ یا ۳۰ کتاب در ملاحم الآخرة نوشته‌اند.
- در همه‌ی این کتب، از نشانه‌های قیامت، ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

بخش سوم: چرا قیامت بدون ایشان نخواهد بود؟

- چرا که هدف آفرینش چنین است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ».
- از ۷ میلیارد مردم دنیا، بیش از نصف آنها بت پرستند یعنی از هدف آفرینش منحرفند.
- در نصف باقیمانده اکثراً مسیحی و اهل تثلیثند.
- مسلمانان، حدود ۸۵ درصدشان از ولایت حجج الاهی محرومند.
- پس این انسان‌ها به هدف الاهی نمی‌رسند.
- خداوند خلق کرده بود که مردم در مسیر بندگی و تسلیم امر خدا قرار بگیرند.
- این هدف توسط حاکمیت امام زمان علیه السلام تحقق خواهد یافت.
- در آن زمان است که شرک از بین خواهد رفت و غیر خداپرستی جمع می‌شود.
- لذا، ایشان قبل از قیامت ظهور خواهند کرد و وعده‌ی الاهی را تحقق خواهند داد.

بخش چهارم: گفتگو درباره‌ی وظایف ما در پیوند و تمسک به امام زمان علیه السلام

طرح دوم: ظهور امام زمان علیه السلام شرط برپایی قیامت

بخش اول مهدویت: اعتقاد مهم اهل سنت

- اهل سنت به امام زمان علیه السلام و ظهور ایشان اعتقاد راسخ دارند.
- دانشمندان آنها حدود ۳۰۰ کتاب مستقل درباره‌ی مهدویت تألیف کرده‌اند.
- بعضی از ایشان اشعری، معتزلی و یا سلفی و حنفی و مالکی هستند و به مذاهب گوناگون اهل سنت هستند.
- همه اجماع در این قضیه (یعنی امام مهدی علیه السلام) دارند.

بخش دوم: روایت ابن مسعود درباره‌ی ظهور امام زمان علیه السلام

- اهل سنت روایتی را از ابن مسعود به چهل طریق از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند: «لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ إِسْمِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا».

- این روایت شریف به تنهایی با توجه به نقل‌های فراوانی که دارد، مشهورترین روایات اهل سنت در حوزه‌ی مهدویت است.

- نشان می‌دهد که معاد، بدون ظهور امام زمان علیه السلام نخواهد بود و قیامت بعد از حکومت ایشان است.
- اهل سنت ۲۰ یا ۳۰ کتاب در ملاحم الآخرة نوشته‌اند.
- در همه‌ی این کتب، بیان شده که از نشانه‌های قیامت، ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

بخش سوم: چرا قیامت بدون ایشان نخواهد بود؟

- چرا که هدف آفرینش چنین است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ».
- از ۷ میلیارد مردم دنیا، بیش از نصف آنها بت پرستند یعنی از هدف آفرینش منحرفند.
- در نصف باقیمانده اکثراً مسیحی و اهل تثلیثند.
- مسلمانان، حدود ۸۵ درصدشان از ولایت حجج الاهی محرومند.
- پس این انسان‌ها به هدف الاهی نمی‌رسند.
- خداوند خلق کرده بود که مردم در مسیر بندگی و تسلیم امر خدا قرار بگیرند.
- این هدف توسط حاکمیت امام زمان علیه السلام و ظهور ایشان تحقق خواهد یافت: يَعْْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا.
- در آن زمان است که شرک از بین خواهد رفت بت پرستی و غیر خدا پرستی جمع می‌شود.
- عیسی پرستی و خورشید پرستی و ستاره پرستی و آتش پرستی از بین می‌رود.
- یعنی همه بر پرستش خدای واحد مجتمع می‌شوند.
- لذا، ایشان قبل از قیامت ظهور خواهند کرد و وعده‌ی الاهی را تحقق خواهند داد و بعد قیامت برپا خواهد شد.

بخش چهارم: گفتگو درباره‌ی وظایف ما در پیوند و تمسک به امام زمان علیه السلام



طرح سوم: مدینه‌ی فاضله

بخش اول: اعتقاد منجی در ادیان غیر وحیانی

- افلاطون فیلسوف بزرگ قرن ۵ قبل از میلاد در کتاب جمهوریت خود گفتگویی از یوتوپیا یا آرمان شهر یا مدینه‌ی فاضله کرده است (چند کلامی در این زمینه گفتگو کنید).
- این آرمان شهر در ادیان غیرالاهی به صورت اعتقاد به منجی تجلی می‌کند.
- ادیان بت پرستی مانند بودایی، هندو، شینتو و آیین تائو هم - علی رغم اینکه ادیان وحیانی نیستند - تحت تأثیر فطرت بشری و عدالت خواهی که در نهاد بشر است همگی به منجی آخرالزمان معتقدند.
- این منجی در آیین هندو نامش کالکی است که جلوه‌ی خدای برهمن است که در صورت منجی ظاهر می‌شود و در آخرالزمان سوار بر اسب سفیدی ظاهر می‌شود و عدالت و نور را در دنیا اجرا خواهد کرد.

بخش دوم: اعتقاد منجی در ادیان الاهی

- ادیان آسمانی همگی به منجی معتقدند.
- «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».
- این آیه را اجمالاً بر اساس تفاسیر توضیح دهید.
- یکی دو نمونه از بشارات زبور و تورات و اوستا را درباره‌ی منجی موعود بخوانید.
- این منجی در آیین یهود اسمش «ماشیه» است.
- در زبان لاتین به آن تعبیر به «مسیا» می‌کنند.
- بزرگواری از نسل حضرت داوود علیه السلام است.
- در آیین مسیحیت، این موعود حضرت عیسی علیه السلام است.
- در ایران باستان، آیین پدران گذشته‌ی ایرانی ما، موعود، شخصیتی است به نام سوشینانس که از نسل حضرت زرتشت علیه السلام است و این منجی ظهور خواهد کرد و جهانی پر از عدل و داد خواهد ساخت.

بخش سوم: فصل مشترک همه‌ی ادیان

- لذا اگر نمایندگان همه‌ی ادیان در این مجلس حضور داشتند و من گوینده بی‌توجه به این مسئله، اعتقادات شیعی را در بحث مهدویت بیان می‌کردم به ۸۰ درصد حرف‌های من هندوها، مسیحیان، یهودیان، زردشتی‌ها، سنی‌ها و سلفی‌ها متعقد بودند.
- اصل «مسیانیسم» از مشترکات بین ادیان است.
- اصل «فتوریسم» از اصول مسلم جامعه‌شناسی ادیان است.
- اعتقاد به آینده‌ی درخشان در همه‌ی مکاتب و مذاهب وجود داشته است.
- مسیانیسم اسلامی، اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام است.

بخش چهارم: برتری اعتقاد به منجی در تشیع

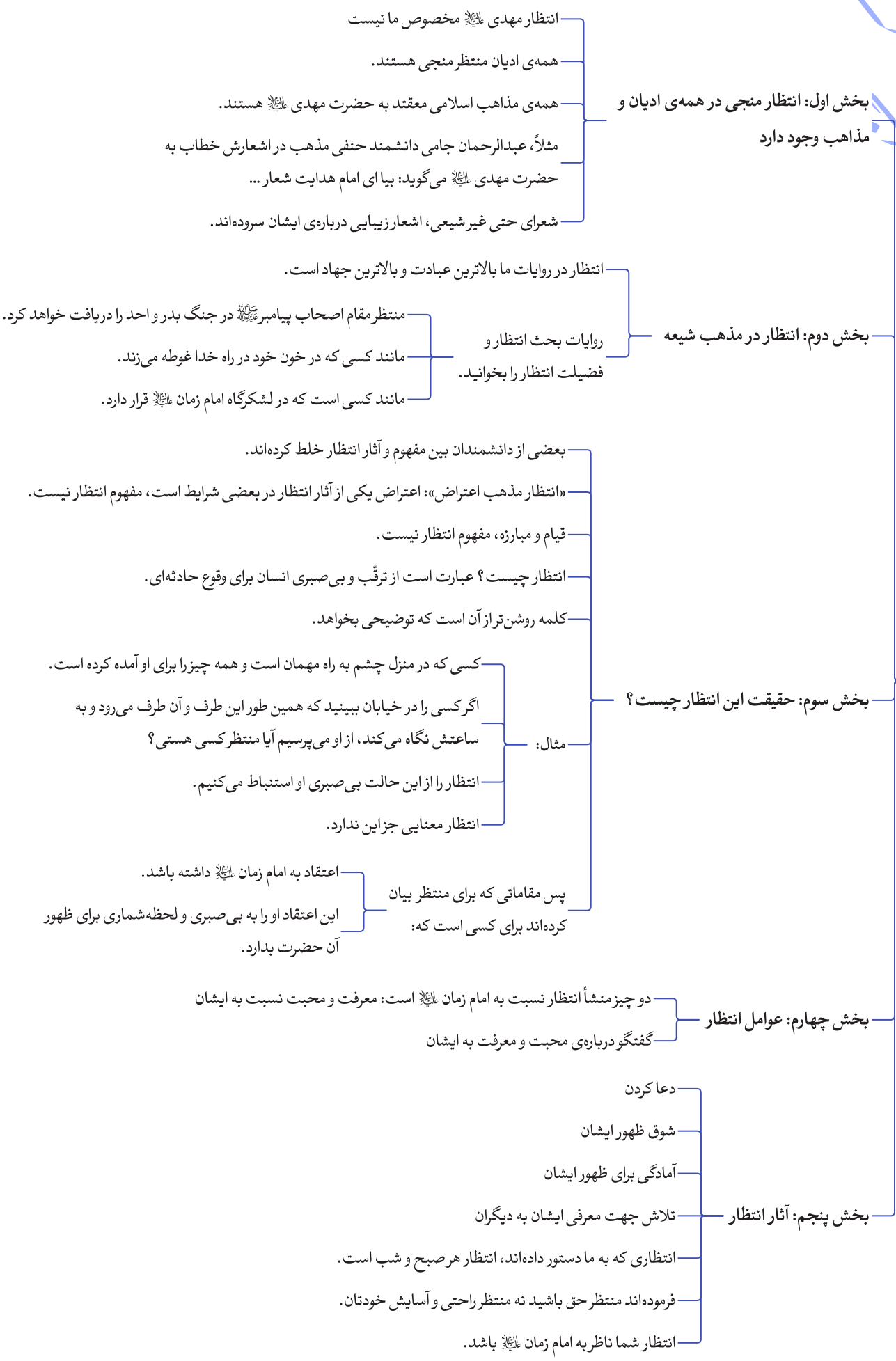
- مزیت اعتقاد شیعه بر همه‌ی ادیان و مذاهب و حتی مذاهب اسلامی غیر شیعی در اعتقاد به زنده بودن آن منجی در حال حاضر است.
- مدیریت جامعه بشریت در حال حاضر در دست آن منجی است و لولآن، که قبل از ظهورش است.
- او در دسترس مردم است آن منجی قابل تمسک و پیوند است.

بخش پنجم: وصف امام زمان علیه السلام و وظایف مردم نسبت به ایشان

- بیان صفات و ویژگی‌هایی از امام زمان علیه السلام و بیان آیات و روایاتی در بحث مهدویت.
- درباره‌ی بحث پیوند با ایشان و وظیفه‌شناسی نسبت به ایشان و بحث انتظار سخن بگویید.



طرح چهارم: مفهوم انتظار



طرح چهارم: مفهوم انتظار

بخش اول: انتظار منجی در همه‌ی ادیان و مذاهب وجود دارد

- انتظار مهدی علیه السلام مخصوص ما نیست
- همه‌ی ادیان منتظر منجی هستند.
- همه‌ی مذاهب اسلامی معتقد به حضرت مهدی علیه السلام هستند.
- مثلاً، نورالدین عبدالرحمان جامی دانشمند حنفی مذهب و عارف بزرگ اهل سنت در اشعارش خطاب به حضرت مهدی علیه السلام می‌گوید: بیا ای امام هدایت شعار / که بگذشت از حد غم انتظار...
- شعرای مسلمان، حتی در مذاهب غیر شیعی، اشعار نغز و زیبایی خطاب و درباره‌ی ایشان سروده و ترویج کرده‌اند.

بخش دوم: انتظار در مذهب شیعه

- انتظار در روایات ما بالاترین عبادت و بالاترین جهاد است.
- روایات بحث انتظار و فضیلت انتظار را بخوانید.
- ← منتظر مقام اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ بدر و احد را دریافت خواهد کرد.
- ← منتظر مانند کسی که در خون خود در راه خدا غوطه می‌زند.
- ← منتظر مانند کسی است که در لشکرگاه امام زمان علیه السلام قرار دارد و لوبه ظهور ایشان نرسد و مرگ بین او و ظهور فاصله بیندازد.

بخش سوم: حقیقت این انتظار چیست؟

- بعضی از دانشمندان بین مفهوم و آثار انتظار خلط کرده‌اند.
- «انتظار مذهب اعتراض»: اعتراض یکی از آثار انتظار در بعضی شرایط اجتماعی و تاریخی است، مفهوم انتظار نیست.
- قیام و مبارزه، مفهوم انتظار نیست.
- انتظار چیست؟ عبارت است از ترقب و بی‌صبری انسان برای وقوع حادثه‌ای.
- کلمه روشن‌تر از آن است که توضیحی بخواهد.
- مثال:
- ← وارد منزل کسی به صورت سرزده می‌شویم می‌بینیم لباس رسمی پوشیده، مرتب و منظم نشسته، اتاق را آماده کرده، چراغ‌ها را روشن کرده، وسایل پذیرایی را آماده کرده. از او می‌پرسیم، منتظر کسی هستید؟
- ← یا مثال دیگر: اگر کسی را در خیابان ببینید که همین طور این طرف و آن طرف می‌رود و به ساعتش نگاه می‌کند، از او می‌پرسیم آیا منتظر کسی هستی؟
- ← انتظار را از این حالت بی‌صبری او استنباط می‌کنیم.
- ← انتظار معنایی جز این ندارد.

▪ پس مقاماتی که برای منتظر در برترین عبادات در برترین جهات در مقام شهدای بدر و احد بیان کرده‌اند برای کسی است که:

← اعتقاد به امام زمان علیه السلام داشته باشد.

← این اعتقاد او را به بی‌صبری و لحظه‌شماری برای ظهور آن حضرت بدارد.

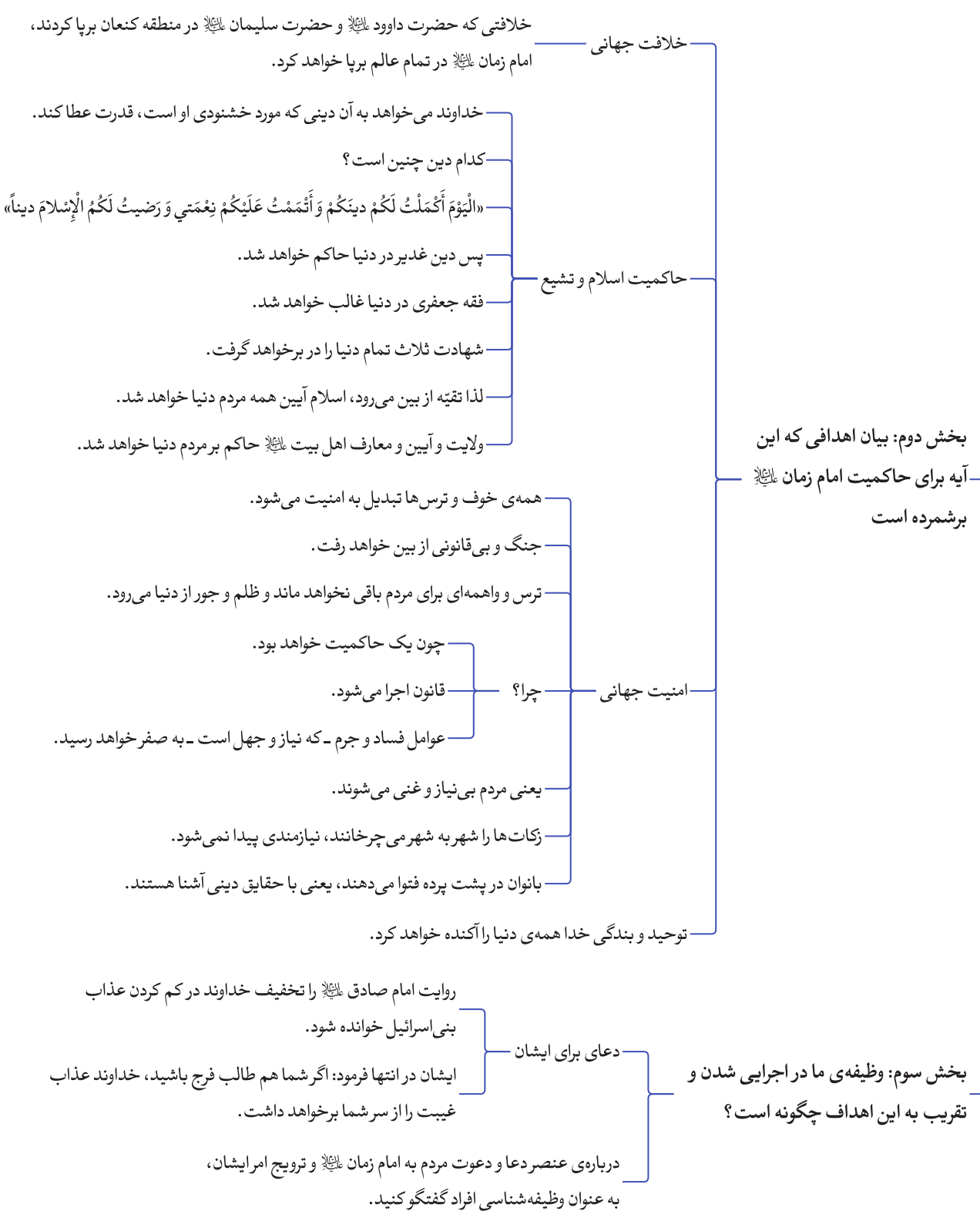
بخش چهارم: عوامل انتظار

- دو چیز منشأ انتظار نسبت به امام زمان علیه السلام است: معرفت و محبت نسبت به ایشان
- گفتگو درباره‌ی محبت و معرفت به ایشان

بخش پنجم: آثار انتظار

- دعا کردن
- شوق ظهور ایشان
- آمادگی برای ظهور ایشان
- تلاش جهت معرفی ایشان به دیگران
- انتظاری که به ما دستور داده‌اند، انتظار هر صبح و شب است؛ نه هفته‌ای یک بار! نه ماهی یک بار! نه سالی یک بار! بلکه گفته‌اند هر روز و شب منتظر ظهور ایشان باشید.
- فرموده‌اند منتظر حق باشید نه منتظر راحتی و آسایش خودتان.
- انتظار شما ناظر به امام زمان علیه السلام باشد.

بخش اول: معرفی سرانجام صالحان از قرآن — آغاز سخن این آیه: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا



طرح پنجم: دست‌آوردهای ظهور امام زمان علیه السلام

بخش اول: معرفی سرانجام صالحان از قرآن

▪ آغاز سخن این آیه: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور، ۵۵)

بخش دوم: بیان اهدافی که این آیه برای حاکمیت امام زمان علیه السلام برشمرده است

۱. خلافت جهانی

← آن خلافتی که حضرت داوود علیه السلام و حضرت سلیمان علیه السلام در منطقه کنعان (اورشلیم کنونی) برپا کردند، امام زمان علیه السلام در تمام عالم برپا خواهد کرد.

۲. حاکمیت اسلام و تشیع

← چرا که می‌فرماید خداوند می‌خواهد به آن دینی که مورد خشنودی خدا برای مردم است، مُکنت و قدرت عطا کند.

← کدام دین چنین است؟

← قرآن می‌فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»

← پس دین غدیر در دنیا حاکم خواهد شد.

← فقه جعفری در دنیا غالب خواهد شد.

← شهادت ثلاث (شهادت به یگانگی خداوند، رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام) تمام دنیا را در برخواهد گرفت.

← لذا تقیّه از بین می‌رود، اسلام آیین همه مردم دنیا خواهد شد.

← ولایت و آیین و معارف اهل بیت علیهم السلام حاکم بر مردم دنیا خواهد شد.

۳. امنیت جهانی

← همه‌ی خوف و ترس‌ها تبدیل به امنیت می‌شود.

← جنگ و بی‌قانونی از بین خواهد رفت.

← ترس و واهمه‌ای برای مردم باقی نخواهد ماند و ظلم و جور از دنیا می‌رود.

← چرا؟

◀ چون یک حاکمیت خواهد بود.

◀ قانون اجرا می‌شود.

◀ عوامل فساد و جرم - که نیاز و جهل است - به صفر خواهد رسید.

← یعنی مردم بی‌نیاز و غنی می‌شوند.

← زکات‌ها را شهر به شهر می‌چرخانند، نیازمندی پیدا نمی‌شود که بخواهد از آنها استفاده کند.

← بانوان در پشت پرده فتوا می‌دهند، یعنی با حقایق دینی آشنا هستند.

۴. توحید و بندگی خدا همه‌ی دنیا را آکنده خواهد کرد و شرک از بین می‌رود.

بخش سوم: وظیفه‌ی ما در اجرایی شدن و تقریب به این اهداف چگونه است؟

▪ دعای برای ایشان

← روایت امام صادق علیه السلام را تخفیف خداوند در کم کردن عذاب بنی اسرائیل خوانده شود.

← ایشان در انتها فرمود: هَكَذَا أَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ لَفَرَّجَ اللَّهُ عَنَّا فَأَمَّا إِذْ لَمْ تَكُونُوا فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْتَهِي إِلَيَّ مِنْتَهَا أَكْرَمًا هَمَّ طَالِبَ ظَهْوَرٍ وَفَرَجَ بَاشِيدٍ، خداوند عذاب غیبت را از سر شما برخواهد داشت.

▪ درباره‌ی عنصر دعا و دعوت مردم به امام زمان علیه السلام و ترویج امر ایشان، به عنوان بُعد اجرایی و عملی و وظیفه‌شناسی افراد گفتگو کنید.

بخش اول: بیان اهداف

- از مشکل ترین مباحث مهدویت، مفهوم غیبت است.
- از موضوعاتی که در بین اقشار مختلف جامعه باعث بدفهمی شده است، مسئله امام غایب است.
- باید مفهوم غیبت امام زمان علیه السلام را بدانیم.

بخش دوم: مفهوم غیبت در آیات و روایات

- غیبت امام زمان علیه السلام یک اصل قرآنی است: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»
- از مصادیق ایمان به غیب ایمان به امام غایب است.
- ایمان به امامی که او را ندیده ایم ولی به وجود او اعتقاد راسخ داریم.
- کتاب «عقد الأبرار» از کتب مهم اهل سنت روایتی را نقل می کند: «إِنَّ لِمُصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ عَجَبَاتَانِ إِحْدَاهُمَا تَطْوِيلٌ»
- غیبت در قرآن هست، حتی در روایات اهل سنت هم هست.
- کیسانی ها فوت محمد حنفیه را تعبیر به غیبت کرده اند.
- واقفی ها شهادت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را غیبت ایشان دانستند.
- یعنی مسلمانان صدر اسلام مفهوم «غیبت» را می شناخته اند.
- این نشانگر اصالت این اعتقاد در فرهنگ اسلامی است.

بخش سوم: غیبت ایشان به چه معانی نادرست است؟

- غیبت ایشان به معنای زندگی در آسمان ها، لای ابرها و ... قطعاً نادرست است.
- چرا که زمین از حجت الاهی خالی نخواهد بود:
 - «لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ إِمَامٍ قَائِمٍ بِحِجَّةِ اللَّهِ»
 - «يَنْقُصِي أَنْتَ مِنْ مُعْتَبٍ لَمْ يَخُلْ مِثًا»
 - «لَيْتَ شِعْرِي، أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى، بَلْ أَيْ أَرْضٍ قُبُلْتُكَ أَوْ تَرَى»
- گرچه امام زمان علیه السلام را امام گویند می دانیم، محل سکناى ایشان را روی زمین می دانیم.
- پس جای ایشان در جهان ها و عوالم دیگر نیست.
- غیبت یقیناً به معنای امام چاه نشین، امام سرداب نشین امام پشت کوه قاف نیست.
- این گونه مطالب را بدخواهان ما بدون سند و دلیل به اسم ما نوشته اند.
- گنجی شافعی دانشمند اهل سنت، کتابی دارد با عنوان «البيان في أخبار صاحب الزمان علیه السلام»
- جناب اربلی، دانشمند شیعه، می گوید من با گنجی شافعی ملاقات کردم.
- کتاب البیان را به من ارائه کرد.
- اربلی «البیان» را در فصل مهدویت کتاب تاریخش نقل می کند.
- نشان می دهد که اعتقاد به مهدویت خاص شیعه نیست.
- بیان یک نمونه:
 - می رسد به فصل ۲۵ کتاب که شافعی اثبات کرده است که
 - مهدی علیه السلام در هنگام غیبت در چاه است
 - این استیعادی هم ندارد
 - به هنگام ظهور از چاه بیرون می آید.
 - تذکر
 - پس امام چاه نشین عقیده ی گنجی شافعی است.
 - حدیث و آیه ای هم بر این مبنا ارائه نداده است.
 - اربلی شیعه به این مطلب پاورقی می زند که از کجا آوردی که امام زمان علیه السلام در چاه است؟!
 - دانشمندان شیعه بر این عقیده معترض هستند.
 - امام زمان علیه السلام مالک منزل خودشان و سرداب سامرا هستند ولی ساکن آنجا نیستند.
 - در گوشه و کنار سرداب دنبال امام زمان علیه السلام نمی گردیم.

بخش سوم: معنای درست غیبت

- معنای صحیح غیبت این است: دیدن و شناختن.
- در اینجا داستان حضرت یوسف علیه السلام را به تفصیل بیان کنید:
 - برادران ایشان دو سفر از کنعان به مصر برای یاری گرفتن از ایشان آمدند اما او را نشناختند.
 - امام صادق علیه السلام می فرماید: مهدی علیه السلام هم همین طور است. ایشان را می بینند اما نمی شناسند.
- این معنای صحیح غیبت ایشان است.
- امام غائب یعنی امام ناشناس نه امام ایریا چاه نشین.
- تشریف مرحوم شیخ حسن علی اصفهانی نخودکی را بیان کنید.
 - ایشان مکرراً از خداوند تقاضا می کند که: «اللَّهُمَّ أَرِنَا وَجْهَ وَلِيِّكَ الْمُتَمَيَّنِّ فِي حَيَاتِنَا وَتَعَدَّ الْمُتَمَنِّ».
 - دعایی که اگر ما هم اصرار بر آن داشته باشیم دور از استجابت نخواهد بود.
 - تا اینکه برای ایشان این تشریف حاصل می شود.
 - می بیند که امام زمان علیه السلام روی چهارپایه در نزدیکی صاحب مغازه نشسته اند.
 - مردم هم تا نزدیک ایشان می آیند اما ایشان را نمی شناسند.

بخش چهارم: بیان فوائد امام غائب

- در باره ی تشبیه حضرت به خورشید پس ابرو و جوه این تشبیه گفتگو کنید.

طرح ششم: مفهوم غیبت

بخش اول: بیان اهداف

- از مشکل‌ترین مباحث مهدویت، مفهوم غیبت است.
- از موضوعاتی که در بین اقشار مختلف جامعه - خصوصاً در میان اهل سنتی که می‌خواهند تبلیغات منفی علیه تشیع کنند - باعث بدفهمی شده است، مسئله امام غایب است.
- باید مفهوم غیبت امام زمان علیه السلام را بدانیم و مفاهیم صحیح را از مسائل بی‌پایه و خرافه جدا کنیم.

بخش دوم: مفهوم غیبت در آیات و روایات

- غیبت امام زمان علیه السلام یک اصل قرآنی است: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»
- از مصادیق ایمان به غیب - که قرآن در صفات مؤمنین مکرر بیان می‌فرماید - ایمان به امام غایب است.
- ایمان به امامی که او را ندیده‌ایم ولی به وجود او اعتقاد راسخ داریم.
- در کتاب «عقد الدرر» که از کتب مهم اهل سنت است نویسنده‌ی شافعی آن روایتی را نقل می‌کند که دیگران مانند متقی هندی حنفی، محدث بزرگ اهل سنت در قرن دهم هم آن را در کتاب خود بیان می‌کند: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا تَطُولُ»
- بنابراین، غیبت در قرآن هست، حتی در روایات اهل سنت هم هست.
- کیسانی‌ها فوت محمد حنفیه را تعبیر به غیبت کرده‌اند.
- واقفی‌ها شهادت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را غیبت ایشان دانستند.
- یعنی مسلمانان صدر اسلام مفهوم «غیبت» را می‌شناخته‌اند.
- این نشانگر اصالت این اعتقاد در فرهنگ اسلامی است.

بخش سوم: غیبت ایشان به چه معانی نادرست است؟

- غیبت ایشان به معنای زندگی در آسمان‌ها، لای ابرها و... قطعاً نادرست است.
- چرا که زمین از حجت الاهی خالی نخواهد بود:
 - ← «لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ إِمَامٍ قَائِمٍ بِحُجَّةِ اللَّهِ»
 - ← «بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخُلْ مِنَّا»
 - ← «لَيْتَ شِعْرِي، أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى، بَلْ أَيْ أَرْضٍ تُقَلِّكَ أَوْ تَرَى»
- بنابراین، گرچه امام زمان علیه السلام را امام گوین می‌دانیم، در عین حال، محل سکناى ایشان را روی زمین می‌دانیم.
- پس جای ایشان در آسمان‌ها، لای ابرها و یا در کرات دیگر در جهان‌ها و عوالم دیگر نیست.
- غیبت یقیناً به معنای امام چاه‌نشین، امام سرداب‌نشین امام پشت کوه قاف نیست.
- این گونه مطالب را بدخواهان ما بدون سند و دلیل به اسم ما نوشته‌اند و ما را به این اعتقاداتی که نداریم می‌خواهند محاکمه کنند.
- بیان یک نمونه:

← گنجی شافعی دانشمند بزرگ اهل سنت در قرن ششم، کتابی دارد با عنوان «البيان في أخبار صاحب الزمان (عجل الله فرجه)»

← جناب اربلی، دانشمند شیعه، در کتاب تاریخ خودش می‌گوید من با گنجی شافعی در سفر حج ملاقات کردم.

← کتاب البیان را به من ارائه کرد من از او کسب اجازه کردم و از روی کتاب استنساخ کردم.

← اربلی «البیان» را در فصل مهدویت کتاب تاریخش نقل می‌کند.

← نشان می‌دهد که اعتقاد به مهدویت خاص شیعه نیست.

← می‌رسد به فصل ۲۵ کتاب که شافعی در کتاب خود اثبات کرده است که

◀ مهدی (عجل الله فرجه) در هنگام غیبت در چاه است

◀ این استبعادی هم ندارد

◀ به هنگام ظهور از چاه بیرون می‌آید.

← تذکر

◀ پس امام چاه‌نشین عقیده‌ی شیعه نیست، مال گنجی شافعی است. از تراوش‌های ذهنی او است.

◀ حدیث و آیه‌ای هم براین مبنا ارائه نداده است.

◀ در اینجا سنی اثبات کننده این عقیده است و اربلی شیعه تنها جایی است که به این مطلب پاورقی

می‌زند که جناب گنجی شافعی از کجا آوردی که امام زمان (عجل الله فرجه) در چاه است؟!

◀ دانشمندان شیعه براین عقیده معترض هستند.

▪ امام زمان (عجل الله فرجه) مالک منزل خودشان و سرداب سامرا هستند ولی ساکن آنجا نیستند.

▪ در گوشه و کنار سرداب دنبال امام زمان (عجل الله فرجه) نمی‌گردیم.

بخش سوم: معنای درست غیبت

▪ معنای صحیح غیبت این است: دیدن و نشناختن.

▪ در اینجا داستان حضرت یوسف (عجل الله فرجه) را به تفصیل بیان کنید:

← برادران ایشان دو سفر از کنعان به مصر برای یاری گرفتن از ایشان آمدند و با این پادشاه خیرخواه و سخاوتمند،

گفتگو و مراوده داشتند، معامله کردند اما او را نشناختند.

← امام صادق (عجل الله فرجه) می‌فرماید: مهدی (عجل الله فرجه) هم همین طور است. ایشان را در مساجد، کاروان حج در مجامع

دینی در کوچه و خیابان ایشان را می‌بینند اما نمی‌شناسند.

▪ این معنای صحیح غیبت ایشان است.

▪ امام غائب یعنی امام ناشناس نه امام ابریا چاه‌نشین.

▪ تشرّف مرحوم شیخ حسن علی اصفهانی نخودکی را - که روای آن مرحوم حاج آقا است - برای مردم بیان کنید.

- ← ایشان مکرراً به امام زمان علیه السلام متوسل می شود و از خداوند در نمازها و عبادات تقاضا می کند که: «اللَّهُمَّ أَرِنَا وَجْهَ وَلِيِّكَ الْمَيْمُونِ فِي حَيَاتِنَا وَبَعْدَ الْمُنُونِ».
- ← دعایی که اگر ما هم الحاح و اصرار بر آن داشته باشیم دور از استجابت نخواهد بود.
- ← تا اینکه برای ایشان این تشرّف حاصل می شود.
- ← هنگامی که وارد می شود بر مغازه ای که حضرت آدرس داده بودند، می بیند که امام زمان علیه السلام روی چهارپایه در نزدیکی صاحب مغازه نشسته اند.
- ← مردم هم - که برای خرید وارد آنجا می شوند تا نزدیک ایشان می آیند - اما ایشان را نمی شناسند.

بخش چهارم: بیان فوائد امام غائب

- در باره ی تشبیه حضرت به خورشید پس ابرو و جوه این تشبیه گفتگو کنید.



طرح هفتم: مهمان سفره صاحب الزمان عليه السلام هستیم

بخش اول: خصوصیات امام زمان عليه السلام از نگاه شیعه

- از تفاوت‌های اعتقاد ما به امام زمان عليه السلام و دیگر ادیان و مذاهب اسلامی این است که ما ایشان را متولد شده و حاضر و امام حقی می‌دانیم.
- اهل سنت بشارت و ظهور امام زمان عليه السلام را در صحاح سته نقل کرده‌اند (مانند ابن ماجه، ابن داوود، ترمذی، احمد بن حنبل متعدد نقل کرده است)
- اما می‌گویند: «سَيُولَدُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ» یعنی به امام حقی و زنده معتقد نیستند.
- امام زمان عليه السلام واسطه زمین و آسمان است
- او محل نزول ملائکه و موضوع شب قدر است.
- امام عليه السلام واسطه‌ی فیض و ید الله است (یعنی واسطه‌ی گرفتن و دادن عطای خداوند)
- فیوضات و برکات و نعمات را امام عليه السلام از خداوند دریافت می‌کند و به مردم می‌دهد.

بخش دوم: داستان روایت امام صادق عليه السلام خطاب به ابوحنیفه

- حضرت عليه السلام با او بر سر یک سفره غذا می‌خوردند.
- بعد فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَمِنْ رَسُولِكَ»
- ابوحنیفه گفت: یا بن رسول الله مشرک شدی! چون پیامبر صلی الله علیه و آله را شریک رزاقیت خدا معرفی کردی.
- حضرت فرمود مگر این آیات را نخوانده‌ای؟
«وَمَا تَقْمُوا إِلَّا أَنْ أَعْنَاهُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَقُولُ فِي مَوْضِعِ آخِرٍ»
«وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ»
«با اینکه خداوند فضل را از جانب خود می‌داند، اما پیامبر صلی الله علیه و آله را واسطه‌ی این فضل معرفی می‌فرماید.
- ابوحنیفه گفت: گویا تا به حال به این دو آیه برخورد نکردم!
- حضرت فرمود برخورد کرده بودی اما از آن جهت که ختم بر قلب تو شده است، متوجه منظور آنها نشده بودی.

بخش سوم: داستان ملاقاسم علی رشتی و تشرّف او در قبرستان تخت فولاد

- ملاقاسم علی در کنار قبر بزرگان خدمت حضرت می‌رسد.
- متوجه می‌شود که ایشان فرد بزرگواری است اما ایشان را نمی‌شناسد.
- از ایشان درخواست یک زاد السفر می‌کند که دست خالی به تهران نرود.
- حضرت می‌فرمایند که بنویس: در معضلات خودت این عبارت را بگو: «یا الله یا محمد یا علی یا فاطمه یا صاحب الزمان ادرکنی».
- ملاقاسم علی به اینجا که می‌رسد قلمش را نگه می‌دارد و می‌گوید: «أدرکونی» باید باشد، منادا جمع است (پیش قاضی و معلق بازی!!)
- حضرت می‌فرماید: خیر، «أدرکنی» بنویس!

- آنها را می‌خوانی ولی از دست صاحب الزمان علیه السلام می‌گیری.

بخش چهارم: نتیجه‌گیری

- پس ما مهمان سفره‌ی صاحب الزمان علیه السلام هستیم.
- عنایاتی که از خداوند به ما می‌شود همگی، چه مادی و خانوادگی و اجتماعی و معنوی و توفیقاتی که خداوند نصیب حال ما می‌کند از دست امام زمان می‌گیریم.
- هرچه داریم به دعا و به واسطه و عنایت آن حضرت است.
- لذا باید شکر ولی نعمت خود را به جا آوریم: «أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ».
- در عین اینکه خداوند را به خاطر نعمت‌ها شکر می‌گزاریم، باید شکر واسطه‌ی نعمت را هم انجام دهیم.
- برای ظهور ایشان دعا کنیم در مشکلات به ایشان مراجعه کنیم.

نامه‌ی امام جواد علیه السلام به علی بن مهزیار — یا عَلِيُّ أَحْسَنَ اللَّهُ جَزَاكَ وَأَسْكَنَكَ جَنَّتَهُ وَمَنَعَكَ مِنَ الْجَزْئِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ ...

طرح هشتم: استانداردهای خدمت‌گزاری به مساحت مقدس مهدوی



طرح هشتم: استانداردهای خدمت‌گزاری به ساحت مقدس مهدوی

نامه‌ی امام جواد علیه السلام به علی بن مهزیار

- در غیبت شیخ طوسی در باب اخبار سفیران امام علیه السلام در زمان غیبت از حسن بن شَمون نقل می‌کند که وی گفت: نامه‌ای که به خط شریف و مبارک امام جواد بود را برای علی بن مهزیار قرائت کردم. متن نامه به این ترتیب بود:
- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
- يَا عَلِيُّ أَحْسَنَ اللَّهُ جَزَاكَ وَأَشْكَنَكَ جَنَّتَهُ وَمَنَعَكَ مِنَ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَحَسْرَكَ اللَّهُ مَعَنَا يَا عَلِيُّ قَدْ بَلَوْتُكَ وَخَبَرْتُكَ فِي النَّصِيحَةِ وَالطَّاعَةِ وَالْخِدْمَةِ وَالتَّوْقِيرِ وَالْقِيَامِ بِمَا يَجِبُ عَلَيْكَ فَلَوْ قُلْتَ إِنِّي لَمْ أَرِ مِثْلَكَ لَرَجَوْتُ أَنْ أَكُونَ صَادِقًا فَجَزَاكَ اللَّهُ جَنَّاتِ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا فَمَا خَفِيَ عَلَيَّ مَقَامِكَ وَلَا خَدَمَتِكَ فِي الْحَرِّ وَالْبُرْدِ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فَأَسْأَلُ اللَّهَ إِذَا جَمَعَ الْخَلَائِقَ لِلْقِيَامَةِ أَنْ يَحْبُوكَ بِرَحْمَةٍ تُعْتَبَطُ بِهَا إِنَّهُ سَمِيعُ الدُّعَاءِ. (الغيبة للطوسي، ص ۳۴۹)
- به نام خداوند رحمان و رحیم ای علی، خداوند به تو جزای خیر دهد، و تورا در بهشتش ساکن گرداند، و تورا در دنیا و آخرت از زیان‌کاری حفظ فرماید، و تورا با ما محشور گرداند. ای علی! من تورا آزمودم؛ و در خیرخواهی، و اطاعت، و خدمت و بزرگداشت و اقدام به آنچه که بر تو واجب است، تورا برگزیدم. اگر به تو بگویم که مثل تو ندیده‌ام، امیدوارم که درست گفته باشم. خداوند جایگاه تورا در قیامت، فردوس برین قرار دهد. ایستادگی تو و خدمت‌گزاری‌ات در روز و شب، در گرما و سرما، از ما پوشیده نیست. و من از خداوند تقاضا می‌کنم که آن‌گاه که همه مرمان را در روز قیامت جمع کرد، تورا به رحمتی مورد محبت قرار دهد، که به آن غبطه بخورند، همانا او شنوای درخواست‌هاست.

بیان توضیحی روایت

- حضرت امام جواد علیه السلام به خط مبارک خودشان خطاب به علی بن مهزیار مرقوم می‌فرمایند: ای علی بن مهزیار خداوند به تو پاداش نیکو دهد و تورا ساکن بهشتش گرداند، تورا از رسوائی و پستی در دنیا و آخرت مانع شود و در قیامت تورا با ما محشور فرماید. پس می‌بینیم که حضرت در ابتدای نامه ۴ دعا برای ایشان کردند. بیان علت و وجه این دعاها در ادامه نامه چنین آمده است: يَا عَلِيُّ قَدْ بَلَوْتُكَ ابْنَ مَهْزِيَارٍ مَا تَوْرَا أَمْوَدِيمُ وَخَبَرْتُكَ وَتَوْرَا بَرَكْزِيدِيمُ فِي النَّصِيحَةِ وَالطَّاعَةِ وَالْخِدْمَةِ وَالتَّوْقِيرِ وَالْقِيَامِ بِمَا يَجِبُ عَلَيْكَ. در این پنج زمینه ما تورا انتخاب کردیم:
- ← در خیرخواهی. در این زمینه که تو خیرخواه ما بودی ما تورا انتخاب کردیم.
- ← مطیع بودن. تو مطیع فرمان ما بودی. ما تورا در مطیع بودن، انتخاب کردیم.
- ← در انجام خدمت. تورا در خدمت‌گزاری انتخاب کردیم
- ← در بزرگداشت ما. تو احترام ما را داشتی، وقار ما را داشتی. تورا در داشتن وقار و احترام اهل‌البيت علیهم السلام انتخاب کردیم.
- ← در انجام وظایف. آن چیزی که وظایف‌ات بود در انجامش اقدام کردی. آدم سست و تنبلی نبودی بلکه وظایف خودت را در قبال دین و اهل‌البيت انجام می‌دادی.
- پس در این پنج زمینه ما تورا برگزیدیم. اگر من امام جواد بگویم که تا کنون کسی مانند تو در میان اصحابم ندیده‌ام امیدوارم که درست گفته باشم. این عبارت خیلی مهم است. یعنی: تو جزء برترین اصحاب ما هستی. لذا

- امیدواریم که خداوند فردوس را به عنوان منزلگاه تو پاداش دهد و منزلگاه تو در قیامت فردوس برین باشد.
- عبارت عجیب و مهم‌ترین روایت، عبارت آخر آن است. بر ما پوشیده نیست ایستادگی و خدمت‌گزاری تو در گرما و سرما، در شب و روز. اینکه گرما و سرما مانع از خدمت نبود. اینکه در چله تابستان خدمت می‌کردی و در اوج سرما و یخبندان زمستان هم دست از خدمت بر نمی‌داشتی. خواه روز باشد خواه شب باشد. اینها بر ما پنهان نبود. در همه شرایط و شبانه‌روز خدمت‌گزار ما بودی و مانعی در این مورد بر سر راهت نبود.
- من از خداوند تقاضا می‌کنم زمانی که مردم را در قیامت گرد می‌آورد یک رحمتی را بر تو ببخشد که تو مورد غبطه مردم قرار بگیری، دیگران بر حال تو غبطه ببرند که خداوند شنونده‌ی درخواست‌ها است.
- این روایت ارزشمند امام جواد نشان می‌دهد که ما باید در مقام خدمت‌گزاری چقدر کوشا باشیم و چقدر با اخلاص باشیم تا امام زانمان در مورد ما چنین تعبیری را به کار ببرد.
- این استاندارد خدمت‌گزاری است که امام زمان در مورد ما بفرماید: يَا عَلِيُّ قَدْ بَلَوْتُكَ وَ خَبَرْتُكَ فِي النَّصِيحَةِ وَ الطَّاعَةِ وَ الْخِدْمَةِ وَ التَّوْقِيرِ وَ الْقِيَامِ بِمَا يَجِبُ عَلَيْكَ فَلَوْ قُلْتَ إِنِّي لَمْ أَرِ مِثْلَكَ لَرَجَوْتُ أَنْ أَكُونَ صَادِقًا فَجَزَاكَ اللَّهُ جَنَاتِ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا فَمَا خَفِيَ عَلَيَّ مَقَامُكَ وَ لَا خِدْمَتِكَ فِي الْحَرِّ وَ الْبُرْدِ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ

درس هائی از این روایت

- شناخت مقام و ارزش خدمتگزارانی که مورد تأیید امام هستند.
- امام از حال خدمتگزاران خود مطلع هستند.
- امام برای خدمتگزاران خود دعا می‌کنند.
- با انجام خدمت خالصانه و پیوسته، مشمول دعای حضرت قرار می‌گیریم.
- در هیچ شرایطی نباید کار خدمت‌گزاری را ترک کرد.
- بدون ابتلا و امتحان جهت خدمت‌گزاری انتخاب نمی‌شویم.
- خدمت‌گزار پنج ویژگی خاص دارد:
- خیرخواه امامش می‌باشد
- مطیع آقايش می‌باشد
- خدمت‌گزار مولایش می‌باشد
- احترام ویژه به امامش دارد
- به تمام وظایفش عمل می‌کند
- خدمت‌گزار واقعی جایش فردوس برین است

چند نکته در رابطه با این حدیث

- این حدیث شفاهی نیست، بلکه یک روایت کتبی است که اعتبارش از روایات شفاهی قطعاً بیشتر است.
- در تاریخ چند علی بن مهزیار وجود دارد که مشهورترین ایشان همین است که قبرش در اهواز وجود دارد. در این روایت نمی‌دانیم که آیا منظور ایشان بوده یا علی بن مهزیار دیگر، ما نمی‌دانیم؛ ولی احتمال دارد که وی باشد.
- مادر فارسی‌النصیحة را به پند و اندرز ترجمه می‌کنیم. معنی اصلی نصیحت خیرخواهی است. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ

در خطبه ۳۴ نهج البلاغه می فرمایند وظیفه رعیت در برابر امام نصیحت است. یعنی خیرخواه کار امام باشد نه اینکه امام را پند و اندرز بدهد. امام که به پند و اندرز ما نیازی ندارد.

- توقیر از وقار به معنی بزرگداشت
- یحبوک از ریشه ی حَبَوَ به معنای عطا



طرح نهم: سخنرانی شب نیمه شعبان سال ۱۴۳۵



طرح نهم: سخنرانی شب نیمه شعبان سال ۱۴۳۵

در فضائل شب نیمه ی شعبان

- شب نیمه شعبان، شب میلاد مبارک حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان حضرت حجة بن الحسن العسكري (روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداه) است.
- شبی است که از نظر نظام تکوین و تقدیر الهی، شب بسیار پراهمیت و پرارزشی است. که میلاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه در امشب، بر شرافت این شب در عالم آفرینش افزوده است.
- به صریح آنچه در روایات در این زمینه نقل شده است، بعد از لیالی قدر، مهم ترین شب در لیالی و ایام سال به حساب می آید. حتی در روایتی داریم که فضیلت امشب بر شب های دیگر سال، فضیلت امیر المؤمنین عجل الله تعالی فرجه بر بقیه اهل بیت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است لذا شب بسیار پراهمیتی است.
- اهل سنت در مورد نیمه شعبان قائل به شب برات و شب تقدیراند. روایات مربوط به اینکه تقدیرات بندگان اعم از عمر یا رزق یا حج (که این سه مورد را در روایات متعدد تصریح کردند) در شب نیمه شعبان برای بندگان نوشته می شود و در احادیث مربوط به نیمه شعبان متعدد و فراوان داریم.
- محدثین ما همچون مرحوم علامه مجلسی رحمته الله علیه در جمع این روایات و روایات متواتر و تصریحات قرآنی، در این مورد که شب قدر، شب نزول قرآن و در ماه مبارک رمضان است متحیر ماندند. هم کثرت روایات شب نیمه شعبان را نمی توانند رها کنند و هم صراحت آیات قرآن و روایات لیلۃ القدر در ماه رمضان را نمی توانند چشم پوشی کنند. لذا جمعی که به ذهنشان رسیده این است که شاید تقدیر این سه بحث در شب نیمه شعبان قرار دارد یعنی رزق، عمر و حج و بقیه تقدیرات در شب قدر یا جمع بهترین که در این شب (نیمه شعبان) تقدیر این سه نکته و دیگر امور نگاشته می شود و در شب قدر قطعی و حتمی می شود. در هر صورت محدثین بزرگ ما در جمع بین این دو سه روایت تلاش کردند.
- پس این شبی که در آن قرار داریم و موظف به احیای آن هستیم، شبی محترم است. شبی مبارک است. شبی مقدس است که ملائکه از آسمان به زمین نازل می شوند. ملائکه تا هنگام اذان صبح در رکوع و سجود و قیام و تسبیح و تکبیر و استغفار هستند. پیغمبر خداصلی الله علیه و آله در همچون شبی، یک بار که ایشان در حال استراحت بودند، جبرئیل برایشان نازل شد و پیغمبر را به قیام و عبادت در امشب دعوت کرد. لذا باید فضیلت امشب را نگه داشت.
- امشب شب استغفار است لذا زبان های ما در همچون شبی نباید بیکار باشد. شبی است که به همه وعده ی مغفرت گناهان را دادند. به شرط آنکه در امشب، فرد اهل استغفار و طلب مغفرت و توبه از جانب خداوند عز و جل باشد. شب استجاب دعا است هر دعایی را خداوند در امشب مستجاب می کند. بنابراین، ما باید در امشب رغبت به دعا کردن داشته باشیم و تا می توانیم به تعبیر حضرت زهرا عجل الله تعالی فرجه (الجارثم الدار) برای مؤمنین و مؤمنات، برای گرفتاران، برای ملت شیعه در سر تا سر عالم در سرزمین هایی که آنها گرفتار دشمن هستند و در صدر همه اینها برای وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه در امشب تا می توانیم باید دعا کنیم، چون شب، شب دعا کردن است. شب، شب استجاب دعا است.
- امشب شب زیارت سیدالشهدا عجل الله تعالی فرجه است که هم برای امشب و هم برای روز نیمه شعبان زیارت سیدالشهدا وارد است. بنابراین، در هر دو از زیارت ایشان حضرت نباید غفلت کرد. چقدر تاکید بر زیارت امام حسین عجل الله تعالی فرجه در شب

نیمه شعبان داریم که وقتی راوی به امام عرض می‌کند: من ماه شعبان را در کربلا بودم اما کمی قبل از نیمه شعبان آمدم، حضرت چقدر او را به خاطر این کار ملامتش کردند که (تو نیمه شعبان کربلا نماندی؟) یعنی گفتند: حتی اگر رفتی و نتوانستی نیمه شعبان کربلا را درک کنی شده یک سال آنجا بمان که بتوانی سال بعد نیمه شعبان را در کربلا باشی. لذا است واقعا جزء عاهایی که امشب از خداوند تقاضا می‌کنیم، توفیق زیارت حضرت سید الشهدا به نیابت از امام زمان در شب نیمه شعبان را نیز بخواهیم که خیلی پر فضیلت و پراهمیت است که امام صادق می‌فرمایند:

← ۱۲۴ هزار پیغمبر از خداوند تقاضای اذن زیارت امام حسین را می‌گیرند و امشب تا به صبح در فرود و فراز به سوی کربلا هستند و به زیارت آن حضرت می‌شتافند.

- به هر صورت انواع عبادات موجود است، نماز، دعا، ذکر که هم در مفاتیح الجنان موجود است و هم در کتبی همچون کتاب جناب آقای دکتر اوحدی جمع‌آوری شده و به تفصیل بیان شده است.
- اگر روزه‌ی روز نیمه شعبان شما را از خدمات احیای نام اهل بیت باز نمی‌دارد، از آن غفلت نکنید. اهمیت فراوانی دارد. شیعیان اهل بیت به عبادت و به کثرت عبادت باید اولی باشند تا دیگرانی که انتساب به اهل بیت ندارند. در کتاب شریف کافی روایتی را از امام صادق در بخش ایمان و کفر نقل می‌کنند به این مضمون که توبه شرطی شیعه هستی که در شهر تو آعبد از تو نباید وجود داشته باشد یعنی باید شهره‌ی شهر در عبادت و تقوا باشی. به این می‌گویند شیعه جعفر بن محمد.

اهمیت اعتقاد به ولایت اهل بیت در مقابل باقی عبادات

- لذا ما باید به عبادت و نماز شب و روزه گرفتن و تلاوت قرآن و به احیا و دستوراتی که اهل بیت به ما داده‌اند، رغبت داشته باشیم. باید رغبت ما به انجام این وظائف بیشتر از چیزی باشد که غیر منتصبین به اهل بیت در ظاهر به اینها بیشتر از ما مشغولیت دارند، لیکن چرا عبادات آنها برای ما با اهمیت و با ارزش نیست؟
- چون عزیزان توجه داشته باشید اصل عبادت اعتقاد به ولایت اهل بیت است. عبادت به این طریق تحقق پیدا می‌کند.
- توجه کنید در داستان شیطان، زمانی که خداوند به شیطان دستور داد که به حضرت آدم سجده کن و شیطان تمرد کرد و از خداوند خواست که این وظیفه را از او سلب کند و در ازای آن برایش یک عبادتی خواهد کرد که بازند باشد و مشابه آن را دیگران انجام نداده باشند.
- خداوند فرمود: إِنَّمَا أَرِيدُ أَنْ أَعْبَدَ مِنْ حَيْثُ أَرِيدُ لَا مِنْ حَيْثُ تُرِيدُ (تفسیر قمی، ج ۱، ص ۴۲)
- خداوند به او فرمود: عبادت آن چیزی است که من می‌خواهم، نه آن چیزی که توبه عنوان عبادت می‌خواهی. یعنی چه؟ عبادت در مقام مطابعت و پیروی است اگر آن را مطابق با سلیقه خود انجام بدهیم در آن صورت می‌شود هوی و هوس،
- نقل کرده‌اند معاویه روزی نماز صبح را چهار رکعت خواند، از او پرسیدند: ای خلیفه چرا چهار رکعت خواندی، نماز صبح که دو رکعت بیشتر نیست؟ گفت: سر حال بودم!
- اگر نماز صبح چهار رکعتی معاویه عبادت است، نماز مخالفین اهل بیت و منحرفین از ولایت اهل بیت نیز عبادت است. بنابراین عبادت به خم و راست شدن نیست، اشتباه نگیرید عبادت با تسبیح ذکر گفتن نیست به تعبیر روایت عبادت دوره خانه خدا طواف کردن و چرخیدن نیست، چرا؟ چون بسیاری از اینها سنتی است

که در جاهلیت به پیروی از دین حنیف حضرت ابراهیم بوده است و بت پرستان آن مکان نیز، این کارها را انجام می دادند لیکن خدا را عبادت و بندگی نمی کردند عبادت این است که ما به دستور خداوند در مقام پیروی از حجت های خدا مطابق با فرمان آنها در برابر خداوند متعال و قبله ای که خداوند معین کرده است بایستیم و آن اذکاری را که حجت خداوند به ما تعلیم داده است آن اذکار را ما طبق فرمان حجت خدا تلاوت کنیم در غیر این صورت عبادت نیست. قرآن می فرماید:

← فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ

← پیغمبر، قسم به پروردگارت که اینان ایمان نمی آورند و اهل ایمان نیستند مگر اینکه یک کاری را انجام دهند آن کار چیست؟

← حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِي مَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ

← مگر اینکه در اختلافات و مشاجراتشان به توی پیغمبر را داور این اختلافات قرار دهند، اگر اختلافات را به توی پیغمبر ارجاع بدهند و در برابر قول تو مطیع و تسلیم باشند در آن صورت خداوند را عبادت کرده اند و اهل ایمان هستند ولی اگر قرار بر این باشد که مشاجرات و اختلاف هایشان را بخواهند به قول دیگران ارجاع دهند اینان که دیگر تسلیم فرمان پیغمبر نیستند

← وَ يُسَلِّمُ تَسْلِيمًا لَمْ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ

← توی پیغمبر هم وقتی در اختلافات آنها قضاوت و داوری کردی اینان در قلب هایشان نیز احساس مخالفتی نسبت به داوری پیغمبر نداشته باشند.

- انسان گاهی اوقات یک حدیثی را می خواند فکر می کند که این حدیث است یا خیر؟ دل انسان آرام نمی گیرد مؤمن کسی است که وقتی این روایت بنا بر ضوابط علمی به معصوم مستند باشد در آن صورت حق مخالفت قلبی را نیز ندارد نه اینکه به زبان جاری نکند ممکن است یک فردی قلبا مخالف باشد ولی ادب و آداب ظاهر را رعایت کند. گفت و گویی از ایمان است، ایمان یک امر قلبی است امرزبانی نیست، اسلام، امرزبانی است.
- قرآن می فرماید: اینان به شرطی ایمان آوردند که احساس مخالفت قلبی را هم در دل نسبت به داوری توی پیغمبر نداشته باشند و کاملاً در برابر فرمان تو تسلیم بشوند.

■ در کتاب الدعای اصول کافی مرحوم شیخ کلینی رحمته الله، یک روایتی را نقل می کند:

← عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ مَنْ قَالَ هَذَا الْقَوْلَ كَانَ مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ إِذَا قَامَ قَبْلَ أَنْ يَسْتَفْتِحَ الصَّلَاةَ - اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ - بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْدَمُهُمْ بَيْنَ يَدَيَّ صَلَاتِي وَ أَتَقَرَّبُ بِهِمْ إِلَيْكَ فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَ جِيهًا فِي الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ مَنْنْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ فَاخْتِمَ لِي بِطَاعَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ وَ لَا يَتَّخِذُوا مِنِّي سَعَادَةً وَ اخْتِمَ لِي بِهَا فَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* ثُمَّ تُصَلِّي فَإِذَا أَنْصَرَفْتَ قُلْتَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي كُلِّ عَافِيَةٍ وَ بَلَاءٍ وَ اجْعَلْنِي مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي كُلِّ مَنَوَى وَ مُنْقَلَبٍ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَاهُمْ وَ مَمَاتِي مَمَاتِهِمْ وَ اجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* (الكافي، ج ۲، ص ۵۴۴، ح ۱)

← امام صادق عليه السلام از قول امیرالمؤمنین عليه السلام می فرماید که وقتی می خواهی رو به قبله بایستی برای ورود به فریضه واجب، قبل از اینکه وارد در فریضه بشوی این دعا را بخوان. این دعا چیست؟ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ

واقعا عجیب است من دفعه اول که این روایت را در کتاب کافی دیدم حیران شدم، می‌خواهی خداوند را عبادت کنی، بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأُقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيَّ صَلَاتِي وَ أَتَقَرَّبُ بِهِمْ إِلَيْكَ فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ، خدایا من از طریق محمد و آل محمد به توی خداوند توجه می‌کنیم نه به صورت مستقیم.

جایگاه واسطه‌خواهی به درگاه خداوند

عرفا می‌گویند: حدثنی قلبی ان ربی! این را ما در دینمان نداریم در دین ما طریقه دین و عبادت و ایمان واسطه دارد این واسطه محمد و آل محمد علیهم‌السلام است نه در دوران ما بلکه در همه‌ی دوران‌ها از ابتدای تاریخ تا زمان حاضر.

مرحوم صفار در کتاب (بصائر الدرجات) روایتی را نقل می‌کند که هیچ پیامبری به مقام نبوت نرسید و نبوت درباره‌ی او تکمیل نشد مگر اینکه اقرار به محمد و آل محمد علیهم‌السلام کرد. در روایت داریم اینکه برخی از انبیا مرسل هستند و برخی دیگر نبی هستند و به مقام رسالت نرسیده‌اند، برخی از ملائکه مقرب هستند و برخی دیگر اسمشان در میان ملائکه مقرب نیامده است این تفاوت در ملائکه و انبیا به چه خاطر است؟ فرموده‌اند: آن کسانی از انبیا مقرب هستند که ایمان برتر و والاتری به پیغمبر و آل او داشته‌اند آن ملائکه‌ای مقرب هستند که ایمان برتری نسبت به محمد و آل محمد علیهم‌السلام داشته‌اند یعنی آن سِری که در فضیلت انبیا بریکدیگر است: «تِلْكَ الرَّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» (بقره/۲۵۳).

انبیا که در یک درجه نیستند مقامات و کمالات آنها با هم متفاوت است، رمز این تفاوت‌ها در چیست؟ در اقرار، نوکری، کوچکی و ایمان به محمد و آل محمد علیهم‌السلام است.

این سر در انبیا باشد و در ما نباشد؟! این سر در تفاوت ملائکه باشد و در ما نباشد؟ چنین چیزی مگر می‌شود بنابراین بحث محمد و آل محمد علیهم‌السلام برای دوران ما نیست، مال ۱۴۰۰ سال موجود نیست، از ابتدای تاریخ مسئله به این صورت است حتی در روایات مربوط سجده ملائکه به حضرت آدم داریم به این دلیل آنها مأمور به سجده‌ی به حضرت آدم شدند که نور محمد و آل محمد در جبین و در صلب حضرت آدم جاری و ساری بود یعنی آدم به تنهایی بر خلاف گفته‌ی روشن فکران مسجود ملائکه نبود. آن آدمی مسجود ملائکه بود که پدر رسول الله و پدر امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما بود یعنی مسجود واقعی، انوار اهل بیت علیهم‌السلام بودند.

در ترجمه روایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام: هنگامی که می‌خواهید نماز بخوانید رو به قبله بایست حال اذان و اقامه را گفتید قبل از اینکه تکبیره الاحرام را بگویی و وارد نماز واجب شوی من از طریق توجه به محمد و آل محمد به واسطه‌ی اینها به تو توجه می‌کنم به واسطه‌ی اینها به تو تقرب می‌جویم آنها را در مقدم نماز، پیشاپیش نماز قرار می‌دهم.

یعنی من به آنها سجده می‌کنم؟ خیر یعنی من نحوه‌ی عبادتم را از آنها یاد می‌گیرم. حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» همان‌گونه که می‌بینید من نماز می‌خوانم، نماز بخوانید (بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۷۹).

یعنی آن‌گونه که من نماز می‌خوانم شما هم نماز بخوانید وگرنه دستورات عبادات که در قرآن آمده است بسیار ناچیز است دو رکعت نماز را هم که پر نمی‌کند بقیه‌اش سنت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، سنت اهل بیت علیهم‌السلام است من آنها را پیشاپیش نماز خود قرار می‌دهم یعنی در نحوه‌ی عبادت کردن پا جای پای آنها می‌گذارم این عبادت

است، این بندگی خدا ﷻ است بنابراین توجه داشته باشید نماز ستون دین است بلاشک، ولی ستون نماز ولایت صاحب الزمان عجل الله فرجه است.

بی ارزش بودن اعمال کسانی که ولایت اهل بیت علیهم السلام را ندارند

- از مرحوم آیت الله خوانساری رحمته الله سوال کرده بودند، حکم شرعی پرسیده بودند: (أشهد أن علي ولي الله) جزء اذان و اقامه هست؟ ایشان فرموده بودند: به جای اینکه جواب فقهی به این سوال شرعی بدهند جواب اعتقادی و کلامی به این سوال داده بودند. گفته بودند: که اذان و اقامه و نماز جزء (أشهد أن علي ولي الله) است یعنی چه؟ یعنی نماز توبه و ولایت امیرالمؤمنین مقرب می شود، مقبول می شود و پذیرفته می شود در غیراین صورت نماز، نخواهد بود روزه به ولایت اهل بیت علیهم السلام روزه می شود در غیراین صورت گرسنگی است، حج به ولایت اهل بیت علیهم السلام حج می شود در غیراین صورت چرخیدن جاهلانه به دور خانه ی خداوند است.
- مرحوم صدوق در کتاب (عقاب الاعمال) روایتی را نقل می کند که بدن انسان را می لرزاند، امام فرمودند: إِنَّ النَّاصِبَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَا يُبَالِي صَامَ أَمْ صَلَّى زَنَى أَمْ سَرَقَ إِنَّهُ فِي النَّارِ إِنَّهُ فِي النَّارِ. (ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ج ۱، ص ۲۰۱)
- آن کسی که در مقام دشمنی با ما اهل بیت علیهم السلام و مخالفت با ولایت ما قرار می گیرد یعنی بعد از اینکه بر او اتمام حجت شد بر حق الصواب پای می گذارد و حق الصواب را می پوشاند برایش مساوی است که بخواند نماز بخواند یا زنا کند فرقی با همدیگر ندارد یعنی نمازش، او را مقرب نمی کند، او را جلونمی برد و در نهایت او را بالا نمی برد.

عبادت اولیه و ثانویه

- بنابراین امشب که شب عبادت است عبادت ثانوی استغفار کردن است، عبادت اولیه زیارت امام حسین علیه السلام است.
- عبادت ثانوی ذکرگفتن است، نماز جناب جعفر طیار است، عبادت اولیه زیارت حضرت امام زمان علیه السلام است.
- پس عزیزان، ما این نسبت را در همه ی اعمالمان باید نگه داریم این نکته را در همه ی اعمالمان متوجه و متذکر بشویم که رمزایمان ما، ولایت امام زمان علیه الصلاه و السلام است. قرآن می فرماید: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ» (حجرات/۱۴).
- اعراب ادعا کردند که ما ایمان آوردیم به آنها پاسخ بده که شما ایمان نیاوردید ولی می توانید ادعا کنید که مسلمان شدید چرا؟ چون اسلام به اقرار زبانی است ولو از سر نفاق باشد، ولو به خاطر طمع باشد، ولو به خاطر ترس باشد اقرار زبانی است. پسرنا مسلمان می خواهد با دختر مسلمان ازدواج کند پدر و مادر دختر می گویند باید مسلمان باشی آن پسر هم به طمع ازدواج با دختر شهادتین می گوید، ازدواج درست است و مشکلی ندارد.
- شما ایمان ندارید ولی مانعی ندارد که ادعای اسلام کنید چرا؟ چون هنوز ایمان در قلب شما وارد نشده است ایمان یک امر قلبی است اسلام یک اقرار زبانی است آن چیزی را که مسلمان به زبان می گوید مؤمن در قلبش این حقایق جاری و متنقش است.
- بنابراین لوازم ایمان بعد از شهادتین عبارت است از: ولایت محمد و آل محمد علیهم السلام است که بدون آن ایمان برای کسی تحقق پیدا نمی کند.

- الان ۱۱۸۰ سال است بیشتر از این مقدار، که در زیر این آسمان ایمان معنایی جز صاحب زمانی بودن ندارد اگر می‌خواهید مؤمن را در این زمانه بشناسید، اگر می‌خواهید اهل بهشت را بشناسید، ببینید چه کسانی دم از امام زمان علیه السلام می‌زنند، چه کسانی منتظر ظهور صاحب‌الزمان هستند، چه کسانی قلبشان با امام زمان پیوند خورده است، چه کسانی اسم صاحب‌الزمان از دهان‌هایشان نمی‌افتد، آنها اهل بهشت هستند، آنها سعادت‌مند هستند.
- در ادامه همان دعای امیرالمؤمنین که تا آخر تلاوت نکردم می‌فرماید: «فَإِنَّهَا السَّعَادَةُ وَاخْتِمْ لِي بِهَا»
- مرگ با ولایت اهل بیت علیهم السلام، این سعادت است خدایا زندگی من را با این ایمان خاتمه بده. سعادت‌مند صاحب‌الزمانی‌ها هستند.

صراط مستقیم

- شما در نمازهای روزانه، روزی ده بار می‌گویید: اهدنا الصراط المستقیم
- من از شما سوال می‌پرسم به هر ملاکی که بخواهید حرف بزنید به هر ملاکی. آیا صراط المستقیم معنایی جز امام زمان علیه السلام در زمان حاضر دارد؟ به هر ملاکی که می‌خواهید بگویید. بنابراین (اهدنا الصراط المستقیم) یعنی خدایا من امام زمانی باشم، خدایا من محب صاحب‌الزمان باشم، من متولی امام زمان باشم، من نوکر امام زمان باشم این است معنی (اهدنا الصراط المستقیم).
- والله معنی دیگری جز این ندارد و غیر از این کسی نمی‌تواند این آیه را در این روزگار معنا کند پس ملاک ایمان، توجه به امام زمان علیه السلام است ملاک ایمان، خدمت‌گزاری به آستان مقدس امام زمان علیه السلام است به این جهت، شرط شناخت مؤمن در روزگار حاضر این مسئله است در کتاب کافی، روایتی را نقل می‌کند.
- از حضرت باقر علیه السلام منقول است که ملاک ایمان چیست؟ ادنی درجه ایمان چیست؟ امام بعد از اینکه می‌فرماید که ملاک ایمان این است که: به خداوند معتقد باشیم، به پیغمبر معتقد باشیم، به اوصیای پیغمبر معتقد باشیم به اینها اکتفا نمی‌کند می‌فرماید به امام زمانت نیز باید معتقد باشی در حالیکه اعتقاد به اوصیاء پیغمبر در دل آن اعتقاد به امام زمان نهفته است ولی حضرت دارند تاکید می‌کنند که باید به امام زمان علیه السلام معتقد باشیم.

مرگ جاهلی

- مرحوم نعمانی رحمته الله در کتاب (الغیبه) روایتی را به سه سند نقل کرده است بنابراین این یک روایت نیست سه روایت است. راوی می‌گوید من یک دوستی در شهرمان دارم که او به شما اهل بیت معتقد است متبری از دشمنان شما است می‌گوید حق در این خانه است و از این خانه بیرون نرفته است و بیرون هم نخواهد رفت می‌گوید بعد از فوت پدر شما یعنی امام سجاد علیه السلام نمی‌دانم حجت خدا چه کسی است بالاخره یکی از اهل آن خانه است یک کسی است که دیگران برپیشوایی و امامت او اجماع کنند من هم به امامت او معتقد هستم این دوست ما با این اعتقادات از دنیا رفت، وضعیت او چگونه است؟ امام می‌فرماید: إِنْ مَاتَ هَذَا عَلَى ذَلِكَ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً
- به توحید و نبوت معتقد است، به تولی معتقد است، به تبری معتقد است، به امیرالمؤمنین، امام حسن، امام حسین، امام سجاد معتقد است در مورد امام آخر، امام زمان خودش مردد است نمی‌داند، تحقیق نکرده است در حالی که امکان تحقیق و تجسس را داشته است این در تقدیر جمله هست امکان تفحص و تحقیق در این زمینه داشته است و انجام نداده است می‌فرماید: إِنْ مَاتَ هَذَا عَلَى ذَلِكَ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً

■ انسان از این حدیث به خود می‌لرزد.

■ جناب حمیری شاعر بزرگ اهل بیت کسی است که در روزگار عمرش یک شعر در مدح و رسای غیر اهل بیت علیهم‌السلام نگفته است در آن روزگاری که افراد برای جلب دنیا به سوی خود در شان خلفا شعر می‌گفتند، مبالغه‌گویی می‌کردند، گزافه‌گویی می‌کردند و دنیای خویش را آباد می‌کردند او یک شعر را هم در مدح غیر اهل بیت نگفت. شنید که حضرت امام صادق علیه‌السلام در جایی گفته‌اند: که حمیری کافر است خیلی اندوهگین شد، خیلی ناراحت شد. سریع در محضر امام صادق علیه‌السلام حاضر شد و گفت فلان شخص گفته است شما در مورد من فرمودید که حمیری کافر است درست است؟ گفت بله من گفته‌ام. خیلی متعجب شد و گفت من که جانم را به خاطر شما به خطر انداخته‌ام من که جز در مدح و رسای آباء شما شعر نگفته‌ام من کافر هستم؟ حضرت فرمودند: «وَمَا يَنْفَعُكَ ذَاكَ وَأَنْتَ كَافِرٌ بِحُجَّةِ الدَّهْرِ وَالزَّمَانِ» (بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۲۰، ح ۱۱) اینهایی که می‌گویی خدماتی که نام بردی هیچ‌کدام به درد تو نمی‌خورد.

■ حمیری ابتدا کیسانی مذهب بود یعنی بعد از سیدالشهدا علیه‌السلام، امام چهارم را محمد حنفیه پسر ارشد امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌دانست. منکر امامت حضرت سجاد، حضرت باقر و حضرت صاق علیه‌السلام بود البته در خانه اهل بیت علیهم‌السلام رفت و آمد داشت و با آنان انس داشت اما به امامت آنها اعتقاد نداشت.

■ فرمودند هیچ‌کدام از مواردی که می‌گوئی خود را به خطر انداختی و خدمت کردی چون به امام زمانت اعتقاد نداری. مضمون کلام حضرت این است که تویی خبر و جاهل نیستی و مطلع و اهل علم هستی. این غفلت را خدا از تو نمی‌پذیرد. بعد امام صادق علیه‌السلام دست او را گرفتند و سر قبر محمد حنفیه بردند، او را زنده کردند و اذعان به امامت حضرت صادق علیه‌السلام کرد که در آنجا از اعتقاد سابق خود برگشت و شیعه امامی شد و آن قصیده مشهور خود در مورد امامت امام صادق علیه‌السلام را سرود.

رمز ایمان، توجه به امام عصر علیه‌السلام

■ به هر صورت رمز ایمان ما در زمان حاضر توجه و توسل به ساحت مقدس امام زمان علیه‌السلام است بنابراین همه ادعیه دعای کمیل، اذکار، عبادات، نماز شب، نماز جعفر طیار، استغفار و هر آنچه در کتب دعا فرموده‌اند که همه حق و حقیقت و ثواب است، مقدم بر همه اینها و شرط عبادت بودن اینها، توجه به امام زمان علیه‌السلام، ایمان و ایقان و اعتقاد به آن حضرت و ولایت و انتظار ظهور آن حضرت است. هرچه انسان در این زمینه قوی تر باشد معرفت و یقین او بالاتر باشد در آن صورت درجه‌ی ایمان او در این باب برتر و بالاتر خواهد بود پس همه توجه داشته باشیم اعتقاد به ظهور صاحب‌الزمان علیه‌السلام، چیز پیش پا افتاده‌ای است که ایمان حساب نمی‌شود که سنی‌ها هم این اعتقاد دارند و چیزی حدود ۲۵۰ کتاب مستقل دانشمندان سنی و حنفی و شافعی و مالکی و وهابی و حنبلی در اثبات ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام تألیف کرده‌اند.

■ شیخ قطری یاوه‌ای علیه امام زمان علیه‌السلام گفت و رساله‌ای نوشت با عنوان «لا مهدی ینتظر بعد الرسول محمد خیر البشر» که علمای سعودی غوغا کردند. عبدالمحسن عباد استاد دانشگاه عبدالعزیز سعودی دانشمند معاصر وهابی است که علی‌القاعده هنوز باید زنده باشد، کتابی نوشت در رد رساله این شیخ قطری و در اثبات ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام از قرآن و صحاح سته که خیلی زیبا بود و به جز چند لگدی که به شیعه در کتابش زده، الحق والانصاف این کتاب در اثبات مهدویت کتاب عالی‌ای است که نویسنده آن وهابی است!

■ اعتقاد به ظهور امام زمان علیه‌السلام که شأنی نیست، چیزی که شیعه و سنت در اعتقاد به آن شریک باشند که شأن و

هنری نیست! مگر هنراست که ما و وهابی در یک پایه بنشینیم؟ منزلتی ندارد. اعتقاد به اینکه امام زمان علیه السلام، حجت حی خدا و واسطه زمین و آسمان و رمزایمان و رمز قبول اعمال و نجات و سعادت است آن اعتقاد شیعه است.

توسل به آن حضرت، پیوند با آن حضرت رمز تشیع است وگرنه در اصل اعتقاد به مهدویت اهل سنت هم شریک هستند. جامی اشعاری در مدح امام زمان علیه السلام دارد، شاعر کردستانی ایرانی، خالد نقش بندی قصیده ای در مدح ائمه علیهم السلام دارد که بند آخر آن در وصف امام زمان علیه السلام است پس اعتقاد به این مقدار تشیع نیست و سنی ها با ما در امامت و ولایت اختلاف دارند و در مهدویت به جز آن اصل اسلسی حجیت حضرت، عموماً اعتقادمان شبیه هم است لذا ما باید رمز تشیع را در اعتقاد به امام زمان علیه السلام دنبال کنیم. متوسل و متوجه به آن حضرت باشیم.

ارتباط معنوی با امام زمان علیه السلام

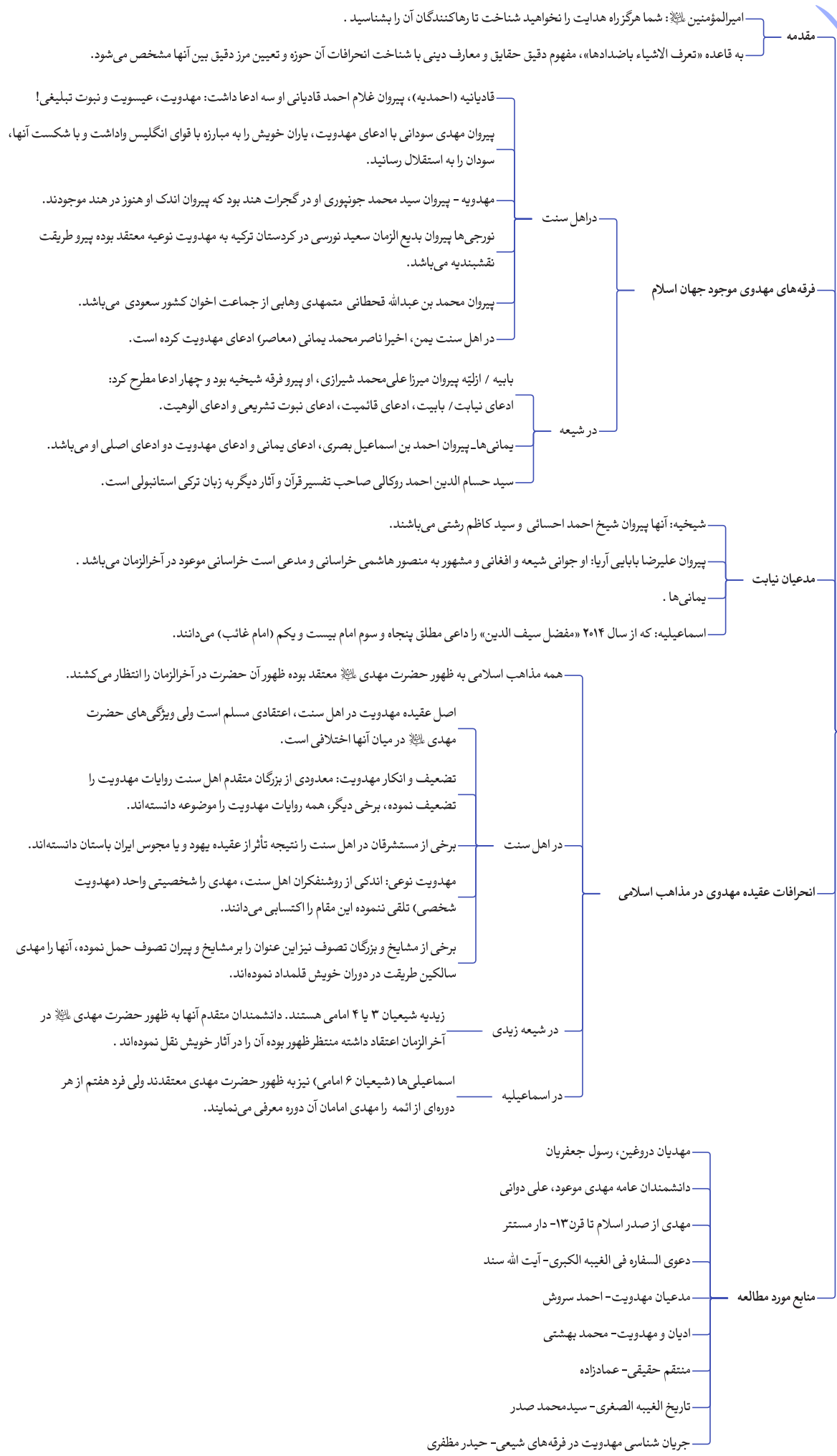
حضرت رضا علیه السلام در سال ۲۰۱ و ۲۰۲ و قبل از شهادت در مرو (پایتخت حکومت ما مون) ساکن بودند، شیعیان آن زمان قم وری و آذربایجان چگونه در حالی که ارتباط حضوری با حضرت نداشتند با ایشان در ارتباط بودند؟ همان ارتباط را به نحوقوی تر و مشخص تر با امام زمان علیه السلام می توانیم داشته باشیم پس باید پیوند قلبی با آن حضرت را مستحکم کرد و باید امام زمان علیه السلام در زندگانی ما وارد شود، در زندگی روزمره ما وارد شود، نام مقدس آن حضرت از زبان ما نیافتد و دعای بر آن حضرت مقدم بر همه دعاهای ما قرار بگیرد.

مرحوم آیه الله خوئی در سال ۱۳۵۸ به یکی از علما فرموده بودند من پنجاه سال است در قنوت نماز دعای اللهم کن لولیک را رها نکردم و این حرف را کسی می زند که محدث، شیخ الفقها و فقیه بوده است. ایشان بلد نبود بگوید ربنا اتنا فی الدنیا حسنه یا ربنا لا تزغ قلوبنا؟ نمی خواهیم شأن این دعاها را پائین بیاوریم اما این نکته مهمی است که چیزی ایشان در این مرتبه را به ترجیح دعای برفرج حضرت برقیه ادعیه در قنوت نمازش و می دارد و آن چیزی جز زمر ولایت و اولویت دادن به امام زمان علیه السلام در همه امور و عبادات نیست لذ است ما باید این نکات را آویزه گوش خود کرده و بر این طریقه زندگی کنیم و نسل بعدی خود را نیز به همین طریقه حرکت دهیم.

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه جلد بیستم نقل می کند بعد از شرح کلمات قصاری که مرحوم سید رضی جمع آوری کرده است، می گوید که حیقم می آید که این کار را نکنم و هزار کلمه قصار دیگری از حضرت که سید رضی نیآورده است را نقل می کند و این بخشف پایان بخش شرح نهج البلاغه است. یکی از آن هزار تا این است: روزی امیرالمؤمنین علیه السلام از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله تقاضا کردند که برای من دعا کنید حضرت فرمودند: «اللهم بحق علی عندک اغفر لعلی» حضرت فرمودند: این چه دعایی است؟ پاسخ دادند: من دیدم در نزد خداوند صلی الله علیه و آله محبوب تر از علی بن ابی طالب وجود ندارد پس خدا را به آن حضرت قسم دادم.

در زیر این آسمان محبوب تر از صاحب الزمان علیه السلام وجود ندارد لذ است ما باید در دعاها ایمان ایشان را مقدم بر همه قرار بدهیم.

خدایا به حق آقا امام زمان علیه السلام قلب مطهر رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا صلوات الله علیهم را به مژده ظهور آن حضرت شا بگردان. خدایا صاحب الزمان علیه السلام و محبین ایشان در همه بلاد اسلامی را از شر دشمنانشان محفوظ بدار. خدایا قبر مطهر ائمه اطهار علیهم السلام را از دسترس دشمنان اهل بیت محفوظ بدار. خدایا دعای خیر امام زمان علیه السلام را در چنین شبی نصیب حال این جمع و همه شیعیان و دلدادگان آن حضرت بگردان! گناهان ما بحق صاحب الزمان علیه السلام ببخش و بیامرز.



مقدمه

- امیرالمؤمنین علیه السلام: «وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرَّشِدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكَهُ وَلَنْ تَأْخُذُوا بِمِيثَاقِ الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَقَضَهُ» (نهج البلاغه خ ۱۴۷ / کافی ج ۸ ص ۳۸۶). شما هرگز راه هدایت را نخواهید شناخت تا رهاکنندگان آن را بشناسید و امکان دست یابیدن به پیمان کتاب را ندارید مگر اینکه کسانی را بشناسید که این میثاق را شکسته‌اند.
- برای فهم دقیق هر عنوان، باید اشتباهات، انحرافات و کج‌روی‌های موجود در آن حوزه را به خوبی بررسی کرد. یعنی به قاعده «تعرف الاشياء باضدادها»، مفهوم دقیق حقایق و معارف دینی با شناخت انحرافات آن حوزه و تعیین مرز دقیق بین آنها مشخص می‌شود. لذا برای فهم دقیق مفاهیم مهدوی باید انحرافات این عقیده صحیح را به خوبی شناخت.
- در جامعه اسلامی امروز به ویژه در عصر نهضت سایبریک و ارتباطات تنگاتنگ دنیا با یکدیگر، بر هر مبلغ فرض است که فرقه‌ها و مکاتب و مذاهب گوناگون در حوزه مهدویت را بشناسد و با منطق آنها آشنا باشد تا در صورت مواجهه و برخورد، امکان دفاع از آئین و حیانی خویش داشته باشد.
- آسیب‌های حوزه مهدویت در طول تاریخ در جامعه اسلامی بسیار فراوان بوده است، ولی در این مجال، موضوع گفتگورا محدود به آسیب‌های موجود و جاری کرده از ضایعات و فرقه‌های گذشته یادی نمی‌کنیم.

فرقه‌های مهدوی موجود جهان اسلام

■ در اهل سنت

- ← قادیانیه (احمدیه)، پیروان غلام احمد قادیانی (۱۹۰۸-۱۸۳۹ / م ۱۳۲۶ ق) - غلام احمد، سنی حنفی و صوفی بلند پروازی بود که سه ادعا داشت: مهدویت، عیسویت و نبوت تبلیغی! اکنون پیروان او در شبه قاره پراکنده بوده در جهان غرب، مراکز تبلیغی متعددی دارند و اجمالاً در فضای مجازی نیز تبلیغ می‌نمایند. مؤتمر علمای اهل سنت لاهور، به دلیل انکار خاتمیت، در سال ۱۹۷۴ میلادی فتوا به کفر و خروج آنها از اسلام داد. حضور این فرقه در کشورهای شبه قاره هند بوده، مسجدها و حوزه‌های علمیه متعددی دارند.
- ← پیروان مهدی سودانی (۱۲۵۹-۱۳۰۲ ق / م ۱۸۸۵) او سنی مالکی و صوفی پیرو طریقت سنوسیه بود که علیه عمال استعمارگر انگلیسی منطقه قیام کرد و با ادعای مهدویت، یاران خویش را به مبارزه با قوای انگلیس واداشت و با شکست مفتضحانه آنها، سودان را به استقلال رسانید. پیروان او بالاخص در کشور سودان در پیروان طریقت سنوسیه فراوانند. الازهر با استناد به محل ظهور او (سودان به جای مکه) بالصراحه مهدویت او را رد کرد. (مهدی از صدر اسلام تا قرن ۱۳ / ۷۳-۷۲)
- ← مهدویه - پیروان سید محمد جونپوری (۸۴۷-۹۱۰ ق / م ۱۵۰۵) - سید محمد جونپوری عالمی حنفی در گجرات هند بود که پیروان اندک او هنوز در هند موجودند. او ادعای مهدویت خویش را در سال ۹۰۱ ق کنار خانه کعبه اعلان نمود! علامه متقی هندی کتاب «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» و ملا علی قاری کتاب «الرد علی من حکم و قضی بأن المهدی الموعود جاء و مضی» را در رد ادعای مهدویت همشهری خود نگاشتند.

← نوری‌ها پیروان بدیع الزمان سعید نوری (م ۱۹۶۰) در کردستان ترکیه که سنی مذهب بوده و به مهدویت نوعیه معتقد بوده پیرو طریقت نقشبندیه می‌باشد. فتح‌اله گولن رهبر سیاسی آن‌هاست که در عین جمعیت کثیر، مبعوض دولت موجود ترکیه می‌باشند.

← پیروان محمد بن عبدالله قحطانی (م ۱۴۰۰ ق / ۱۹۷۹) - متمهدی وهابی از جماعت اخوان کشور سعودی (الجماعه السلفیه المحتسبه) می‌باشد. قحطانی با هدایت و رهبری جهیمان بن محمد عتیبی - عالم سلفی تندرو- که شوهر خواهر او بوده، دعوت و مهدویت خویش را از سال ۱۴۰۰ در مسجد الحرام علنی کرد و در محاصره و درگیری خونین با نیروهای ارتش سعودی به قتل رسید. جهیمان در خطبه‌ای که در مسجد الحرام به این منظور ایراد کرد، مهدویت قحطانی را بر اساس تطبیق ویژگیها، علائم ظهور، روایات آخرالزمان و رؤیاهای متعدد اعلان نمود! (مهدیان دروغین / ۲۴۱ تا ۲۵۶). این نهضت در گروه اخوان کشور سعودی به نحو غیر علنی پیروانی دارد.

← این پنج گروه جزو امت اسلام بوده به احکام اسلامی عمل می‌نمایند ولی معتقدند که حضرت مهدی عجل الله فرجه ظهور کرده، اکثر رهبران موجود خود را «خلیفه المهدی» قلمداد می‌کنند!!

← در اهل سنت یمن، اخیراً ناصر محمد یمانی (معاصر) ادعای مهدویت کرده و به برخی از رقباء، همچون احمد اسماعیل بصری نیز متعرض شده است ولی خوشبختانه به فرقه‌ای تبدیل نگردیده است. او خطاب به پیروان احمد اسماعیل بصری می‌نویسد: «من امام مهدی هستم و نه احمد اسماعیل را فرستادم و نه او جانشین من است!» (الرد المبین علی دعوه احمد الحسن - رک: سایت «مهدی الامه»)

■ در شیعه

← بابیه / ازلیه پیروان میرزا علی محمد شیرازی (۱۲۳۵-۱۲۶۶ق) میرزا علی محمد پیرو فرقه شیخیه بود و تا پایان عمر کوتاه خویش چهار ادعا مطرح کرد: ادعای نیابت / باییت، ادعای قائمیت، ادعای نبوت تشریحی و ادعای الوهیت. آیین او که با حمایت سفارت شوروی در ایران پا گرفت، امروزه جمعیت کوچکی در ایران و قبرس هستند که اکثراً جذب درآئین پوشالی بهائیت شده‌اند که مدعی نسخ مذهب بابیه و آوردن نبوت و دین جدید می‌باشد. بابی‌ها/ ازلی‌ها به دلیل اعتقاد به نسخ اسلام و قرآن، غیر مسلمان و کافر محسوب می‌گردند.

← یمانی‌ها- پیروان احمد بن اسماعیل بصری (متولد ۱۹۶۸م / ۱۳۴۷ش) او شیعه‌ای اهل بصره و عراق و از حوزة مرحوم آیت الله سید محمد صدر در نجف می‌باشد که تاکنون دعاوی متعددی داشته است: ادعای یمانی و ادعای مهدویت (اولین فرد از ۱۲ مهدی که به اعتقاد آنها بعد از وفات امام دوازدهم ظهور خواهند کرد) دو ادعای اصلی او می‌باشد. استخاره و رؤیا از شگردهای تبلیغی مبلغین این گروه است! یمانی‌ها با حمایت دولت امارات، تبلیغات وسیعی را در عراق، ایران، افغانستان، مالزی و دیگر کشورها آغاز کرده و افراد زیادی را گمراه نموده‌اند. آنها به دو فرقه ضاله انصار مکتب (مکتب نجف) و انصار پرچم (رایات سود) تقسیم شده‌اند که پیروان فرقه اول بیشتر است. یمانی‌ها فعلاً مسلمان و شیعه محسوب می‌شوند.

← سید حسام الدین احمد روکالی (م ۱۹۲۵/ ۱۳۴۳ق) صاحب تفسیر قرآن و آثار دیگر به زبان ترکی استانبولی است. او نسل ۲۹ جعفر کذاب می‌باشد، اهل داغستان و درس خوانده حجاز و ساکن ترکیه و پیرو طریقت نقشبندیه است که در مقدمه تفسیر خویش، خود را وارث پیامبر و امام زمان می‌داند. (مکتب در فرآیند

تکامل - مدرسی طباطبایی / ۱۶۷ و ۳۸۱). ولی خوشبختانه این ادعا نیز پیروانی ندارد ولی باقیمانده ضعیفی از فرقه «جعفریه» قرن سوم ولی در طریقت نقشبندیه اهل سنت ترکیه است.

مدعیان نیابت

- شیخیه: آنها پیروان شیخ احمد احسائی (۱۱۵۷-۱۲۴۲ ق) و سید کاظم رشتی (۱۲۰۵-۱۲۵۹ ق) می‌باشند که پیروان آنها عمدتاً در استان کرمان ایران و برخی کشورهای خلیج فارس: بحرین و کویت و عراق و عربستان وجود دارند. شیخیه گرچه مسلمان و شیعه امامی هستند ولی اصول و فروع خویش را از آثار رهبران خویش اقتباس کرده به مراجع تقلید شیعه اعتنایی نداشته از نظر عقیده گرایش به غلو دارند. ادعای بابت و نیابت رهبران اولیه آنها زمینه ساز ظهور گروه بابیه و سپس دین انحرافی بهائیت شد. شیخیه ایران اکثراً از فرقه رکنیه و شیخیه خلیج فارس اکثراً از فرقه کشفیه (احقاقی) می‌باشند.
- پیروان علیرضا بابایی آریا: او جوانی شیعه و افغانی و مشهور به منصور هاشمی خراسانی (متولد ۱۳۶۳) در کابل است که مدعی است خراسانی موعود در آخرالزمان می‌باشد و زمینه ساز ظهور امام زمان علیه السلام است و برای این منظور کتاب «بازگشت به اسلام» و «مناهج الرسول» را منتشر نموده است. او پیروان اندکی در هرات و مزار دارد.
- یمانی‌ها: که در که در بالا توضیح داده شد. آنها احمد بن اسماعیل را رسول امام مهدی می‌دانند. گرچه او به این ادعا اکتفا نکرده، ادعای امامت سیزدهم را نیز دارد.
- اسماعیلیه: که از سال ۲۰۱۴ «مفضل سیف الدین» را داعی مطلق پنجاه و سوم امام بیست و یکم (امام غائب) می‌دانند و توضیح آن درج-۳ خواهد آمد.

انحرافات عقیده مهدوی در مذاهب اسلامی

- همه مذاهب اسلامی به ظهور حضرت مهدی علیه السلام معتقد بوده ظهور آن حضرت در آخرالزمان را انتظار می‌کشند. این عقیده از مشترکات همه مذاهب اسلامی از صدر اسلام تاکنون در جمیع کشورهای اسلامی و در میان جمیع مذاهب اسلامی بوده است ولی با وجود این اجماع، انحرافات و اشتباهاتی در کل عقیده مهدویت برخی مذاهب اسلامی و یا در جزء عقیده آنها وجود دارد که ذیلاً به آن می‌پردازیم:
- در اهل سنت

← گرچه اصل عقیده مهدویت در اهل سنت، اعتقادی مسلم است ولی ویژگی‌های حضرت مهدی هم چون نام پدر، حسینی بودن، تولد، غیبت، عصمت و... در میان آنها اختلافی است. قلبی از دانشمندان اهل سنت در این تفاوت نظر، عقیده‌ای هم چون شیعه داشته، امام زمان را فرزند امام عسکری علیه السلام و متولد در سال ۲۵۵ دانسته به حیات و حضور و غیبت آن حضرت معتقدند (ر.ک: دانشمندان عامه و مهدی موعود- استاد علی دوانی) ولی اکثر اهل سنت به ویژه اهل حدیث و سلفیه‌ی از آنها اصرار بر این دارند که مهدی، محمد بن عبدالله و از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام است که در آخرالزمان تولد خواهد یافت. آنها شأنی هم چون یک مصلح برای او قائل بوده او را حجت خدا و معصوم نمی‌دانند.

← تضعیف و انکار مهدویت: معدودی از بزرگان متقدم اهل سنت هم چون ابن خلدون مغربی (۷۳۲-۸۰۸ ق) و ابن حزم اندلسی (م ۴۵۶) روایات مهدویت را تضعیف نموده، برخی دیگر پا را فراتر نهاده آیات و روایات فراوان در آثار اولیه و معتبر اهل سنت را نادیده گرفته، عقیده مهدویت را باوری شیعی دانسته، همه روایات

آن را موضوعه معرفی نموده‌اند. محمد رشید رضا، احمد امین و عبدالله آل محمود از این دسته هستند.

← برخی از مستشرقان هم چون دارمسترو گلدزیهر عقیده مهدویت در اهل سنت را نتیجه تأثر از عقیده یهود و یا مجوس ایران باستان دانسته‌اند.

← مهدویت نوعی: اندکی از روشنفکران اهل سنت، مهدی را شخصیتی واحد (مهدویت شخصی) تلقی ننموده این مقام را اکتسابی می‌دانند و بر هر مصلحتی که برای شکوه و عزت اسلام قیام نموده به موفقیت‌هایی دست یازد تطبیق کرده او را مهدی دوران خود می‌نامند. ابوالعلاء مودودی (۱۹۷۹م) دانشمند معاصر پاکستان در رساله «البیانات»، و بدیع الزمان سعید نورسی (۱۳۷۹ق/۱۹۶۰م) دانشمند کرد ترکیه در رساله‌ی «نور»، تصریح در این عقیده دارند.

← برخی از مشایخ و بزرگان تصوف نیز این عنوان را بر مشایخ و پیران تصوف حمل نموده، آنها را مهدی سالکین طریقت در دوران خویش قلمداد نموده‌اند. مولوی در مثنوی خویش (دفتر ۲/ ص ۸۱۵)، تصریح در این بیان دارد:

← پس امام حی ناطق آن ولی استخواه از نسل عمر خواه از علی است

← پس به هر دوری ولیی قائم است تا قیامت آزمایش دائم است

← مهدی هادی وی است ای راهجوهم نهان و هم نشسته پیش رو

← در شیعه زیدی

← زیدیه شیعیان ۳ یا ۴ امامی هستند که با وجود اینکه امامی و اثنا عشری نیستند ولی دانشمندان متقدم آنها به ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه - فردی از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله در آخر الزمان اعتقاد داشته منتظر ظهور بوده آن را در آثار خویش نقل نموده‌اند (الاحکام - قاسم رسی ۲/ ۴۲۹). ولی زیدیه متأخر از مهدویت شخصی فاصله گرفته گرایش به مهدویت نوعی داشته، هر کس از خاندان پیامبر که برای نجات مردم ستم‌دیده قیام کند و ادعای امامت نماید را مهدی و قائم دوران می‌خوانند (مجموعه رسائل - یحیی بن قاسم ۵۰۸). زیدیه تماماً ساکن یمن بوده و نیمی از جمعیت این کشور را در بر میگیرند و «حوثی» نامیده می‌شوند.

■ در اسماعیلیه

← اسماعیلی‌ها (شیعیان ۶ امامی) نیز به ظهور حضرت مهدی معتقدند ولی فرد هفتم از هر دوره‌ای از ائمه (همچون محمد بن اسماعیل - از دوره اول) را مهدی امامان آن دوره معرفی می‌نمایند. در عین اینکه عبیدالله مهدی (آغازگر سلسله فاطمیون مصر) و الحاکم بامرالله (امام هفدهم آنها) نیز ادعای باطل مهدویت داشته‌اند. اسماعیلیه به سه فرقه: نزاریه (آقاخانیه)، مستعلویه (بوهره) و دروزیه تقسیم می‌شوند و غیربوهره‌ها، بقیه باطنی محض می‌باشند. در کشورهای ایران، هند، یمن، مصر، لبنان، افغانستان و تاجیکستان حضور دارند.

نتیجه گیری

■ آسیب‌های موجود در حوزه مهدویت در ۱۳ عنوان زیر تلخیص می‌گردد:

← قادیانیه

- ← سید مهدی سودانی
 - ← مهدویه / جونپوری‌ها
 - ← نورجی‌ها
 - ← باییه / ازلیه
 - ← زیدیه
 - ← یمانی‌ها
 - ← شیخیه
 - ← اسماعیلیه
 - ← پیروان منصور هاشمی خراسانی
 - ← انکار میلاد آن حضرت در اکثر اهل سنت
 - ← تضعیف یا انکار اصل مهدویت
 - ← مهدویت نوعی روشنفکران و برخی از صوفیه اهل سنت
- فرقه‌های مهدوی موجود اهل سنت چهار فرقه و فرقه‌های مهدوی موجود شیعه دو فرقه می‌باشند که این مساله، نشانگر اصالت مهدویت در فرهنگ اسلامی و عدم اختصاص این عقیده به شیعه است.

منابع مورد مطالعه

- مهدیان دروغین، رسول جعفریان
- دانشمندان عامه مهدی موعود، علی دوانی
- مهدی از صدر اسلام تا قرن ۱۳- دار مستتر
- دعوی السفاره فی الغیبه الکبری - آیت الله سند
- مدعیان مهدویت - احمد سروش
- ادیان و مهدویت - محمد بهشتی
- منتقم حقیقی - عمادزاده
- تاریخ الغیبه الصغری - سید محمد صدر
- جریان شناسی مهدویت در فرقه‌های شیعی - حیدر مظفری



طرح یازدهم: نقد مقدمه‌ی ابن خلدون در کتاب العبر

بیوگرافی اولیه ابن خلدون

- نام: عبدالرحمن ابن محمد ابن ابن خلدون مغربی
- متوفی: ۸۰۸ هجری قمری - ۱۴۰۵ میلادی
- علت شهرت: نگاه علمی به تاریخ - پیشتاز مطالعات علمی تاریخی - مورد احترام جامعه‌شناسان

آغازگران تضعیف عقیده مهدویت

- ابن خلدون
- غزالی
- محمد زکریای رازی
- ابن هیثم

چرا مقدمه کتاب العبر مهم است؟

- این کتاب، کتابی است تاریخی که از جهت بیان تاریخ اهمیت چندانی ندارد زیرا مقدم بر او کتاب‌های تاریخ متعددی وجود دارد. آنچه اهمیت دارد، مقدمه‌ای است که بر العبر نوشته است. این مقدمه محل تحلیل‌های تاریخی و جامعه‌شناختی او است. حجم این مقدمه نسبتاً زیاد است حدود ۵۰۰، ۶۰۰ صفحه در زبان عربی بوده که در فارسی، در دو جلد تقریباً ۷۰۰ صفحه‌ای ترجمه شده است.

ادعای گزاف سرداب حله

بیان ادعا

- در مورد شیعه امامی ایشان این را بیان می‌کند که شیعیان امامی معتقد به امام غائب هستند و اینها چاه و سردابی در شهر حله دارند. شما نگاه کنید این میزان اطلاعات یکی از بزرگترین تاریخ‌دانان اهل سنت درباره‌ی شیعه است! ببینید چطور جاهلانه حرف می‌زند. می‌گوید اینها یک چاه و سردابی شهر در حله (شهری شیعه‌نشین نزدیک نجف و کربلا) دارند. نزدیک غروب آفتاب می‌روند دور آن چاه جمع می‌شوند و به صورت دسته‌جمعی شروع به دعوت صاحب الزمان عجل الله فرجه می‌کنند. هر شب پس از نماز مغرب بر سر این سرداب می‌ایستند و مرکبی برای امام زمان می‌آورند و با بانگ بلند نام او را دسته‌جمعی بر زبان می‌آورند و وی را به ظهور و خروج از سرداب دعوت می‌کنند تا آنکه تیرگی شب فرا می‌رسد و ستارگان پدید می‌آیند آنگاه پراکنده می‌شوند و آن امر را به شب آینده موکول می‌کنند. هر شب این‌گونه انتظار ظهور می‌کنند (رجوع کنید به ۳۸۱ کتاب).
- ابن خلدون حتی به این نکته هم توجه ندارد که سردابی که در شیعه مورد گفتگو است در حله نیست در سامرا است، دقت می‌کنید؟ و بعد هم شیعه، صاحب الزمان را ساکن سرداب نمی‌داند.

آیا شیعه اعتقاد به زندگی امام زمان عجل الله فرجه در سرداب دارد؟

- اربلی صاحب کشف الغمة از علمای شیعه (متوفی ۶۹۲ هـ) و حدود ۱۵۰ سال قبل از ابن خلدون می‌زیسته است.

- او می‌گوید من در سفر حج حافظ محمد ابن یوسف گنجی شافعی را دیدم و او کتاب «البيان في أخبار صاحب الزمان (عليه السلام)» خودش را به من عرضه کرد خیلی از کتاب خوشم آمد و از او اجازه استنساخ گرفتم، به من اجازه داد. از این کتاب نسخه برداشتم و اکنون کل کتاب را در فصل امام دوازدهم کتاب کشف الغمة نقل می‌کنم که شما بدانید اهل سنت هم به مهدویت معتقد هستند.
- در جلد سوم کتاب کشف الغمة کل البيان في أخبار صاحب الزمان (عليه السلام) را (البته کتاب حجیم نیست) را آورده تا می‌رسد به فصل بیست و پنجم کتاب البيان و می‌گوید که در اینجا جناب گنجی شافعی اثبات کرده که مهدی در ایام غیبت در چاه و سردابی زندگی می‌کند و از آنجا بیرون نمی‌آید تا زمان ظهورش و این مسأله مانعی ندارد که خدا اگر بخواهد یک فرد را در ته یک چاهی سالیان درازی زنده نگه دارد بعد رفته تلاش کرده استدلال بیاورد به اینکه زنده بودن در ته چاه استبعادی ندارد! دقت کنید که حافظ گنجی شافعی دارد این مطالب را می‌گوید و اربلی از او در کتاب کشف الغمة دارد نقل می‌کند.
- تا به اینجا، بدون تصرفی در حرف گنجی شافعی، عین حرف‌هایش را نوشته، تنها جایی که اربلی بر کتاب گنجی شافعی در کشف الغمة پاورقی اعتراضی زده اینجا است. می‌گوید آقای گنجی شافعی این یاوه را شما از کجا آورده‌اید؟ چه کسی می‌گوید صاحب الزمان (عليه السلام) در سرداب است؟ که گفته صدها سال ته یک چاه زندگی می‌کند؟ این عقیده را شما از کجا آورده‌اید؟ در شیعه کسی همچین حرفی نمی‌زند. شما اگر می‌گویید از کجا می‌گویید این حرف را؟ اربلی اعتراض تندی به گنجی شافعی در این زمینه می‌کند.
- اربلی در سال ۶۹۲ فوت کرده توجه می‌کنید؟ پس لااقل صد و ده دوازده سال قبل از ابن خلدون ما سند تاریخی داریم که شیعه معتقد به امام غائب به معنی امام چاه نشین نیست.
- پس این اعتقاد شیعه نبوده است و جالب اینجا است که بدانید گنجی شافعی در کتاب البيان باب بیست و پنجم امام غائب را به معنی امام چاه نشین از شیعه گزارش نمی‌کند. اصلا اسمی از شیعه نمی‌آورد. بلکه به عنوان عقیده خودش مطرح می‌کند و برای این عقیده برهان و استدلال می‌آورد و از این عقیده دفاع می‌کند.
- اگر شیعه اعتقاد به امام سرداب نشین ندارد پس ابن خلدون از کجا این حرف را آورده است؟
- بزرگ‌ترین شخصیت تاریخ‌دان اهل سنت بلکه اسلام، یعنی ابن خلدون مغربی دارد یاوه سرایی می‌کند. اینها در حوزه‌های دیگر سند می‌آورند وقتی می‌رسند به بحث شیعه‌ی امامی پرت و پلامی‌گویند، بی سند حرف می‌زنند. روی وهمیات خودشان صحبت می‌کنند. به جای اینکه از شیعه سند بدهند حرف‌های باطل بزرگان اهل سنت را در این جهت تکرار می‌کنند. من می‌دانم سند ابن خلدون تو این جهت چه است، البته ابن خلدون سند نقل نکرده ولی من دیده‌ام، ابن خلکان - که حدود صد، صد و پنجاه سال قبل از ابن خلدون است - عین این حرف را در کتاب خودش آورده و چون دانشمند بزرگی است به احتمال قوی ابن خلدون از روی او این حرف‌ها را رونویسی کرده است.

چرا ابن خلدون اصرار به تضعیف مهدویت دارد؟

- ایشان در این مقاله، به دنبال مقابله با فاطمیون و اسماعیلیه است. اسماعیلیه از بعد از حکومت فاطمیون در شمال افریقا که از قرن سوم شروع شد تا نیمه قرن پنجم، ادامه پیدا کرد یعنی حدود کم تر از سه قرن فاطمیون قدرتمندانه در آنجا حکومت کردند. اصحاب حسن صباغ در نزدیک قزوین حکومت کردند هر دوی اینها یک تهدیدی برای دولت‌های اهل سنت در آن زمان بوده‌اند. همچنین قبل از آنها دیلمیان در ری حکومت بسیار قوی

و فرهنگی در ایران بودند اینان یک تهدید برای دول اهل سنت بودند. بنابراین خلفای اهل سنت به دانشمندان صله می دادند، آنها را تشویق می کردند علیه اسماعیلیه و باطنیه کتاب بنویسند. کما اینکه غزالی در قرن ششم دو، سه کتاب علیه باطنیه نوشت.

- ابن خلدون در قرن هشتم در این کتاب یک فصل علیه اعتقاد بنیادین باطنیه و اسماعیلیه یعنی مهدویت نوشت؛ چون آغازگر دولت فاطمی القائم بامر الله بوده است. «القائم بامر الله» بودن لقب او، یعنی ندای مهدویت در بین شیعه خیلی آشکار بوده است. لذا ایشان آمده پایه ی مهدویت را بزند با مهدویت مبارزه و مقابله کند روایاتش را ضعیف تلقی کند تا به این ترتیب به اصطلاح زیربنای عقیده فاطمیون و شیعه را تضعیف بکند.
- بنابراین ابن خلدون در این کتاب در بحث مهدویت، به دنبال بحث علمی نیست. اصلا او تخصصی در حوزه کلام یا حوزه حدیث ندارد تا بخواهد در حوزه مهدویت بحث علمی بکند. او متخصص تاریخ است، او متخصص جامعه شناسی است. اما چرا ورود در این بحثی کرده که در این زمینه ورودی نداشته تخصصی نداشته؟ می خواهد در واقع یک بحث سیاسی بکند؛ می خواهد پایه شیعه را بزند. می خواهد پایه فرهنگ شیعه را ضعیف قلمداد بکند.

آیا فقط ۷ محدث سنی احادیث مهدوی را گفته اند؟

- ابن خلدون فقط ۷ نفر را نام می برد از قرن ۴ و قرن ۳ کسی را نام نمی برد: ترمذی - ابن ماجه قزوینی، حاکم نیشابوری، تبرانی، و ابویحلی موسمی
- کل احادیث را هم حدود ۲۸ تا می داند در حالی که حدود ۳۰۰ تا حدیث
- اما حدود ۷۰ نفر بودند تا قبل از قرن ۹
- سلیمان ابن داود طیالسی - متوفی ۲۰۴ - در کتاب المسند
- عبدالرزاق صنعانی (استاد بخاری) - ۲۱۱ - کتاب الصنف (۱۵ جلد) در جلد ۱۱ باب المهدی (ضرب المثل «عبدالرزاق هم از این حدیث خبر ندارد» نشان از تسلط عبدالرزاق در امر حدیث اهل سنت است).
- نعیم برحماد مروزی - متوفی ۲۳۰ معاصر امام هادی علیه السلام - کتاب الفتن و الملاحم - ۱۵۰ تا حدیث
- ابن ابی شیبه کوفی متوفی ۲۳۵ - ۲۰ سال قبل از تولد امام زمان علیه السلام - کتاب المصنف (۹ جلد) - باب ما ورد فی المهدی
- احمد بن حنبل شیبانی (رئیس حنبلی ها) - متوفی ۲۴۱ - ۱۴ سال قبل از میلاد امام زمان علیه السلام - روایات بر اساس الفبای نام راوی آقای جلالی - کتاب احادیث المهدی من مسند احمد بن حنبل - حدود ۱۰۰ حدیث مهدوی
- عبدالله ابن عبدالرحمان دارمی ثمرقندی - متوفی ۲۵۵ - کتاب السنن
- اسماعیل بن ابراهیم بخاری - متوفی ۲۵۶ - صحیح بخاری - باب نزول حضرت عیسی علیه السلام - باب لشکر سفیانی - باب دجال
- مسلم ابن حجاج نیشابوری - متوفی ۲۶۱

راویان احادیث مهدوی در اهل سنت چه کسانی هستند؟

- ابن خلدون ۸ نفر را نام می برد:

← امیرالمؤمنین علیه السلام

- ← ابن عباس
- ← عبدالله بن عمر
- ← عبدالله بن مسعود
- ← طلحه
- ← ابوهریره
- ← انس بن مالک
- ← ابن حارث
- ← در حالی که متجاوز از ۵۰ نفرند - خود آن ۲۸ حدیث ابن خلدون ۱۴ راوی دارد!

رد ادعاهای ابن خلدون برای نفی روایات مهدویت

▪ ردّیه احمد بن صدیق الغماری بر ابن خلدون

- ← ابن خلدون می‌گوید من همه احادیث را آورده‌ام و بیشتر از ۲۸ تا نیست.
- ← الغماری در کتاب ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون: من تا ۱۰۰ تا کامل می‌کنم نه اینکه ۱۰۰ تاست بیشتر است من تا ۱۰۰ می‌آورم. این کتاب، شاید مفصل‌ترین کتاب برای رد دعوی ابن خلدون باشد.

▪ دیگر آثار اهل سنت درباره‌ی مهدویت

- ← البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان: اثر علامه متقی هندی حنفی صاحب کنزالعمال (معروف به بحار الأنوار اهل سنت) در جواب رد ادعای سید محمد جونپوری (صوفی مدعی مهدویت در قرن نهم و دهم هند) ۲۶۳ روایت در این کتاب آورده است.
- ← عقد الدرر فی أخبار المنتظر: مفصل‌ترین کتاب اهل سنت در مهدویت بوده که مؤلف آن، سلمی مقدسی شافعی متوفی ۶۸۵ است. ۴۷۸ حدیث آورده از ۴۵ اثر مهدوی که بعضی هایش را الآن نداریم.
- ← الرد علی من انکر الحدیث الصحیحة الواردة فی المهدی: مؤلف این کتاب، عبدالمحسن بن حمد العباد، استاد دانشگاه مدینه منوره و عضو هیأت علمی آن دانشگاه، حدود چند صد حدیث در رد کتاب قاضی القضاة قطر در حدود ۴۰ سال قبل با نام «لا مهدی منتظر بعد الرسول خیر البشر» دارد. این کتاب را آقای خسروشاهی به فارسی به نام مصلح آسمانی چاپ کرده است.

▪ معتقدین به تواتر احادیث مهدوی در اهل سنت

- ← ابوالحسن محمد بن حسین عامری سجستانی متوفی ۳۶۳
- ← احمد بن ابی خيثمه متوفی ۲۷۹
- ← ثامر هاشم العمیدی - محقق شیعی لبنانی ایشان در کتاب دفاع عن الکافی ۴۰ تا از آرای محدثین سنی آورده که معتقد به تواتر احادیث مهدوی هستند

▪ ادعای گزاف ابن خلدون در مورد صحیحین

- ← اجماع محدثان در این است که آنچه را بخاری مسلم آورده‌اند مقرون به صحت است و اجماع امت بر این است که باید احادیث آنها، یعنی بخاری مسلم، تلقی به قبول شود و به آنها عمل شود و اجماع، خود بزرگترین و نیکوترین وسیله حمایت و دفاع است و جز صحیحین دیگر کتب حدیث این منزلت را ندارند.

■ فهم ناصحیح ابن خلدون از قاعده تقدم جرح بر تعديل

← ایشان برای نقد بعضی از روایات مهدوی از این قاعده استفاده می‌کند با این استدلال که اگر ما در ذیل نام یک راوی مثلاً فضل بن خلیفه، اسد بن موسی، ابراهیم بن ماجر، بشیر بن نهیج و مانند این، (مراجعه کنین به کتب علم رجال)، دیدید ۴ نفر از ایشان تمجید کردند، ایشان را معتبر و روایاتش را قابل اعتنا میدانند، یک نفر گفته؟ نه من به او اعتمادی ندارم! ما باید جرح را احتیاطاً بر تعديل مقدم بدانیم و روایات آن فرد را کنار بگذاریم، توجه فرمودید؟

■ پاسخ الغماری به ادعای تقدم جرح بر تعديل

← آقای احمد بن صدیق الغماری به این سخن ایشان جواب داده که آقای ابن خلدون شما در حوزه‌ای که ورود نداری دخالت نکن! سنجش اعتبار روایات، کار یک مورخ نیست، کار یک محدث خبیر و یک رجالی بزرگه، همیشه جرح بر تعديل مقدم نیست، تا چه کسی جرح کرده باشد و چه کسی تعديل کرده باشد. نسبت اینها و فاصله اینها با آن راوی چه مقدار باشد، شخصیت هر کدام از اینها چگونه باشد، آیا آیا قرائن بر تعديل این فرد گواهی دارد یا بر جرح این فرد گواهی دارد؟ قاعده‌ای نیست که شما مکانیکی بگویی همیشه جرح بر تعديل مقدم است.

← آقای احمد بن صدیق الغماری می‌گوید که اگر همواره جرح بر تعديل مقدم است یک حدیث در دین باقی نمی‌ماند، چون در هر حدیثی به کتب رجال مراجعه کنید، همیشه یک نفر را، ولو در بزرگان، با قاعده‌ای که ایشان همه‌ی روایات مهدویت را ذبح کرده است، پیدا می‌کنید که نسبت به آن به صورت سوء ظن و در مقام جرح سخن گفته باشد. اصلاً در خود این قاعده بحث است و به مفهومی که او فهمیده، نیست.

← بعد آقای احمد بن صدیق الغماری آمده در حدود ۱۰۰ صفحه تک تک ۲۸ روایت را می‌آورد، استدلالات ابن خلدون در نقد آن حدیث، در تضعیف آن راوی و نقد آن حدیث بیان می‌کند، و به یک یک آنها جواب می‌دهد و اثبات می‌کند که این تضعیف بیمورد بوده، این جرح غلط و ناشیانه است. ایشان در ذیل حدیث شماره ۲، می‌گوید که راوی این روایت عاصم بن ابی النجود (توجه داشته باشید، عاصم بن ابی النجود کیست؟ حافظ کل قرآن، و راوی مشهور قرآن. قرآنی که الآن در جهان اسلام مردم می‌خوانند به روایت عاصم بن ابی النجود است)، حافظ کل قرآن بوده، ولی آن‌گونه که از نقل‌ها برمی‌آید، ایشان در حفظ قرآن قوی بوده، در حفظ روایات قوی نبوده، آخرین چه حرفی است؟! مگر حافظه آدم دو جور است، بگوید حافظه ایشان در شعر سعدی خوب و در شعر حافظ خراب است! اصلاً خنده دارد این حرف.

← سرانجام ایشان روایات عاصم بن ابی النجود را نمی‌پذیرد. این روایت را نقد می‌کند در حالی که توجه ندارد که اگر عاصم بن ابی النجود روایاتش قابل پذیرش نباشد شما چطور از قرآن می‌توانید دفاع کنید؟! یعنی همان طوری که گفتم بر سر شاخه، بُن می‌برید! تو آمده‌ای مهدویت را بزنی حواست نیست که داری قرآن را می‌زنی! حالا ایشان می‌خواهد مهدویت را از سر تعصب تضعیف کند بی‌توجه به اینکه دارد اصل قرآن را تضعیف می‌کند، ایشان نقل می‌کند که فلان کس گفته در حفظ عاصم بن ابی النجود عیبی است، گفته است که هیچ مردی را نیافتم که نام او عاصم باشد جز اینکه در حفظ، او را در مرتبه‌ای پست یافتم، آخر این هم حرف شد؟ هر کسی اسمش عاصم است خلاصه حافظه خوبی ندارد؟! توجه می‌کنید؟ یا مثلاً ذهبی گوید او در حفظ و قرائت قرآن قابل اعتماد است ولی در حدیث مقامی فروتر از آن دارد، توجه کردید؟ شما نگاه کنید، او به هر دری می‌زند برای اینکه روایت مهدویت را تضعیف کند حالا سرانجام منجر به این

می‌شود، که آن کسی که قرآن متکی بر قرائت و نقل اوست او را تضعیف می‌کند، متوجه هستید؟ در حالی که توداری لطمه اساسی تری به دین می‌زنی.

← این به نمونه‌ای از برخوردهای به اصطلاح تعصب آلود او نسبت به مسائل است.

▪ نفی احادیث مهدوی اگر صراحتاً نام مهدی در آن نباشد

← ابن خلدون در حدیث ۷ و ۱۰، وقتی که هیچ عذری برای نقد راویان حدیث پیدا نمی‌کند، که این حدیث را بخواهد رد بکند یا تضعیف کند، می‌گوید این حدیث را به عنوان حدیث مهدویت نمی‌پذیریم چون نامی از مهدی در این حدیث نیامده است. حالا حدیث هفتم چیست؟ حدیثی است که ام سلمه از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که مردی از مدینه به سوی مکه می‌گریزد - منظور حضرت مهدی علیه السلام است ولی اسم نیآورده است - گروهی از مردم مکه نزد وی می‌آیند و او را بیرون می‌آورند - در حالی که او اکراه دارد - و در میان رکن و مقام با او بیعت می‌کنند آن‌گاه لشکریانی از شام برای نبرد با او گسیل می‌شوند. آن لشکر در منطقه بیداء دچار خسف می‌شود و به این ترتیب او غلبه پیدا بر لشکر شام می‌کند و ثروت را بین مسلمانان تقسیم می‌کند. هفت سال بین مردم حکومت می‌کند. ابن خلدون می‌گوید چون اسم مهدی اینجا نیامده من این حدیث را به عنوان حدیث مهدویت نمی‌پذیریم.

← جالب اینجا است بدانید این جناب ابن خلدون در حدیث ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۲۲، ۲۵، ۲۷، ۲۹، در این روایات هم نام مهدی نیامده بعد آن روایات را به عنوان مهدویت می‌پذیرد، چرا اینجا نمی‌پذیرد؟! چرا این عذر را آنجا نمی‌آورد ولی اینجا می‌آورد؟ زیرا آنجا عذر دیگری پیدا کرده است!

▪ پاسخ الغماری به رد احادیثی که نام مهدی در آن نیست

← جناب ابن خلدون بفرمایید این حدیث راجع به چه دارد صحبت می‌کند؟ راجع به چه کسی دارد حرف می‌زند؟ اگر بگوییم بیش از ۵۰ تا محدث اهل سنت این احادیث را در ابواب مهدی در کتب خود آوردند، کم گفتیم یعنی همه آنها خطا کردند؟!

▪ نفی احادیث مهدوی در صورت گرایش راوی به تشیع

← ابن خلدون در حدیث ۳، ۵، ۱۵، ۱۹، ۲۲، در پنج تا حدیث، می‌گوید بعضی راویان اینها شیعه‌اند. بعد هم می‌گوید اینها گرایش به تشیع دارند لذا اصلاً روایتشان را نمی‌پذیریم.

← آقای ابن خلدون در نقل حدیث صدوق بودن راوی اهمیت دارد نه مذهبش، این همه در بخاری و مسلم روایت نقل کردند، این را از احمد بن صدیق نقل می‌کنم.

▪ پاسخ الغماری به اشکال گرایش راوی به تشیع

← او می‌گوید که بخاری و مسلم از خوارج نقل حدیث کردند یعنی خوارج را قبول داشتند. از مرجعی نقل حدیث کردند از قدری نقل حدیث کردند از جبری نقل حدیث کردند که نمونه‌هایش را احمد بن صدیق بیان می‌کند. چرا؟ چون در بیان در نقل افراد قابل اعتمادی بودند، دروغگو نبودند ضبوط بودند. مذهب راوی که دخالتی در قبول یا عدم قبول روایتش ندارد. ما در آثار شیعه راویانی داریم سنی‌اند، راویانی داریم زیدی‌اند مثل ابوالجارود، اینها زیدی مذهب بودند، ولی چون فرد قابل اعتمادی بودند برای ما اهمیتی ندارد، توجه فرمودید؟

← لذا مذهب راوی نمی‌تواند جهتی برای کنار گذاشتن راوی به حساب بیاید، دقت می‌فرمایید؟

← باز هم ایشان چون کم آورده این کار را کرده است، یعنی نتوانسته اشکال دیگری مثلاً به فضل بن خلیفه که از بزرگان روایت است، بگیرد این مسئله را بیان می‌کند.



شب نیمه شعبان و ذکر فضائل امام زمان (عج)

شب نیمه شعبان شب بسیار با فضیلتی است که بعد از لیالی قدر یکی از بهترین شب‌های سال است.

میلاد امام زمان (عج) مزید بر فضیلت این روز است.

در این شب بنا داریم که با بیان فضایل امام زمان (عج) خداوند را عبادت کنیم می‌خواهیم یا این کار، بر معرفت خود به ایشان بیفزاییم .

برای امام زمان (عج) هم ۴۶ فضیلت در روایات آمده که در باقی معصومین (عج) بیان نشده است.

کثرت آیات و روایات درباره امام زمان (عج)

در بین ائمه (عج) غیر از امیرالمؤمنین (عج) به اندازه‌ی ایشان، آیه و روایت درباره‌شان نقل نشده است.

روایات مهدویت در اهل سنت بیش از ۶۰۰ حدیث است و در شیعه بیش از ۲۰۰۰ روایت غیر مکرر است.

بشارت به امام زمان (عج) در کتب آسمانی قبل

بشارت ظهور امام زمان (عج) در همه‌ی کتب آسمانی قبل آمده است.

قرآن در آیه ۱۰۵ سوره انبیا می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».

شرافت نسب آن حضرت (عج)

از یک سو نسب ایشان به نبی اکرم و امیرالمؤمنین و حضرت زهرا (عج) می‌رسد.

از سوی دیگر، آن حضرت از دو جهت منسوب به این سه بزرگوار هستند هم از طریق امام حسین (عج) و هم از طریق امام حسن (عج).

از طریق مادر نسلشان به شمعون (عج) از پیامبران بنی اسرائیل و وصی حضرت عیسی (عج) می‌رسد.

اما شرافت ظاهری ایشان، این است که از دو طریق امپراتورزاده و شاهزاده هستند.

درخشش ویژه نور امام زمان (عج) در کنار باقی انوار اهل بیت (عج)

در سفر معراج پیامبر (ص) نور حضرت صاحب الزمان (عج) در میان باقی انوار مانند یک ستاره متأللی بود

معراج جسمانی امام زمان (عج)

در مورد چهارده معصوم غیر از پیامبر (ص)، معراج جسمانی نقل شده نداریم

زمانی که امام زمان (عج) به دنیا آمدند، دو فرشته آمدند و این قنداقه را بردند به عرش اعلیٰ.

خداوند عز و جل خطاب به این قنداقه فرمود: مرحبا به تو ای بنده من! برای نصرت دین من و اظهار امر من و مهدی بندگان من ...

فهرست چهارده فضیلت از فضائل امام زمان (عج)

برتری مقام امام زمان (عج) بر امامان از نسل امام حسین (عج)

معصومین (عج) از یک جهت نور واحد و حجت الاهی و مفترض الطاعة هستند.

جهتی هم با هم تفاوت در مقام دارند: «بَلَدَكَ الرَّسُولُ فَصَلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ».

رتبه‌ی اول مربوط به پیامبر (ص) و رتبه‌ی دوم مربوط به امیرالمؤمنین (عج) و حضرت زهرا (عج) است.

رتبه‌ی سوم مربوط به امام حسن (عج) است

رتبه‌ی چهارم مربوط به امام حسین (عج) است.

رتبه‌ی بعد مربوط به امام زمان (عج) است : تاسعهم أفضلهم.

امام زمان (عج) برپاکندگی وعده‌های الاهی

امام زمان (عج) تنها کسی است که برپاکندگی وعده‌های الاهی و اجرا کننده‌ی مواعیدی است.

این بزرگترین افتخار و مزیت برای امام زمان (عج) است که انجام وعده‌های الاهی توسط ایشان انجام می‌شود.

بوسه زدن جبرئیل به دست امام زمان (عج)

جناب جبرئیل ظهور امام زمان (عج) را از بام کعبه اعلام می‌کند فریادی می‌زند که همه‌ی مردم دنیا می‌شنوند

جبرئیل (عج) از بام کعبه پایین می‌آید و بردست امام زمان (عج) بوسه می‌زند.

اقتدای حضرت عیسی (عج) به امام زمان (عج)

بعد از اینکه ایشان ظهور کردند، حضرت عیسی (عج) از آسمان چهارم نازل می‌شود.

ایشان در نماز صبح به امام زمان (عج) اقتدا می‌کنند.

این روایت نشان می‌دهد که مقام امام زمان (عج) از پیامبران اولوالعزم مانند حضرت عیسی (عج) به جز پیامبر خاتم (ص) بالاتر است.

ارزشمندی خدمت به امام زمان (عج)

جناب نعمانی این روایت را از امام صادق (عج) نقل می‌کند که فرمودند: «لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَّمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»

خدمت کردن و یاری امام زمان (عج) مقام بلندی است که امام صادق (عج) متقاضی این ارزش و مقام هستند.

استحباب برپاخواستن هنگام ذکر لقب قیام‌کننده‌ی امام زمان (عج) — حضرت رضا (عج) با شنیدن این لقب به پاخواستند.

برگردن نداشتن بیعت هیچ ظالمی

ائمه‌ی ما حتی شخص پیامبر (ص) به دلیل ضعف و نقص یاران در مماشات و تحت حاکمیت ظلمه به ناچار زندگی می‌کردند.

ویژگی عدم بیعت با طواغیت که یکی از ویژگی‌های جنبی امام زمان (عج) است، مخصوص به ایشان است.

محبت امام زمان (عج) و مودت ایشان

آیه‌ی مودت «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»

خداوند به پیامبر (ص) درباره‌ی امام زمان (عج) می‌فرماید که «يَا مُحَمَّدُ أَخْبِرْهُ فَإِنِّي أُجِبُّهُ وَأُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ»

مورد انتظار امام زمان (عج) و فضیلت آن

در ایام غیبت فضیلتی بالاتر از انتظار ظهور امام زمان (عج) نداریم : «أَفْضَلُ أَعْمَالِي أَنْتَظَرُ الْقَرَجِ»

انتظار ذات و مفهومش روشن است: بی‌صبری و ترقب یک فرد برای یک واقعه می‌شود انتظار.

این بی‌صبری و طلب قلبی بازتاب‌هایی دارد که یکی از بازتاب‌هایش دعا است.

طرح دوازدهم: فضائل امام زمان علیه السلام - شب نیمه‌ی شعبان ۱۴۴۰

شب نیمه‌ی شعبان و ذکر فضائل امام زمان علیه السلام

- شب نیمه‌ی شعبان شب بسیار با فضیلتی است که بعد از لیالی قدر یکی از بهترین شب‌های سال است.
- میلاد امام زمان علیه السلام در صبح جمعه چند دقیقه مانده به اذان صبح سال ۲۵۵، مزید بر فضیلت این روز است. این میلاد فرخنده را به اهل بیت علیهم السلام عرض تبریک داریم.
- در این شب که شب قدر و شب و احیا و شب برات از جهنم و مغفرت به حساب می‌آید، بنا داریم که با بیان فضایل امام زمان علیه السلام به عنوان یمی از دریا و مشتیی از خروار، خداوند را عبادت کنیم چرا که شیعه و سنی این روایت را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که «ذکر علی عبادة» سخن گفتن از امیرالمؤمنین علیه السلام که به تبع، شامل باقی اهل بیت علیهم السلام هم می‌شود. در این گونه روایات، امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان گل سرسبد سلسله‌ی امامت مطرح می‌شوند و این روایات اختصاص به ایشان ندارد بلکه هر کسی که در جای ایشان است، چنین فضیلتی برای او خواهد بود و این روایات ناظر به او نیز هست؛ پس شامل جانشینان و خلفای معصوم ایشان هم خواهد بود.
- می‌خواهیم با این کار، بر معرفت خود به ایشان بیفزاییم و عنایات ایشان را برای جمع خود جلب نماییم.
- در زیارت جامعه‌ی کبیره، امام هادی علیه السلام به ما آموزش داده‌اند که «مَوَالِيَّ لَا أُحْصِي ثَنَاءَكُمْ وَلَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَمِنَ الْوُصْفِ قَدْرَكُمْ»: ای آقایان من! من توانایی ثنای شما را آن گونه که لایق شما است بیان کنم و...
- یعنی اهل بیت علیهم السلام در رتبه‌ای هستند که منزه‌اند از اینکه ما بتوانیم به کمالی از آنها، آن گونه که حقش است دسترسی پیدا کنیم. در سفری که امام رضا علیه السلام به اجبار مأمون به مرو تشریف بردند (مرو در حال حاضر یکی از شهرهای ازبکستان است)، در آنجا یکی از روایان ایشان وارد شهر شد و به مسجد جامع آنجا رفت. بعد که برگشت، حضرت علیه السلام از او پرسیدند که چه خبر بود؟ گفت هر جایی که من رفتم گفتگویی از مقام امامت بود. حضرت رضا علیه السلام ناراحت شدند و گفتند اینها چه خبر دارند که مقام امامت چیست؟! اگر همه‌ی بلغا، حکما و دانشمندان و خردمندان و ... دور هم جمع شوند که بتوانند یکی از فضائل امام را علی ما هو حقه بیان کنند، نمی‌توانند. معنایش این است که ما فقط نمی‌توانیم به فضائل امام زمان علیه السلام احاطه علمی پیدا کنیم بلکه نمی‌توانیم حتی یکی از کمالات ایشان را آن چنان که حقش است، بیان کنیم.
- پس آنچه ما اینجا گفتگویی کنیم، من باب یمی از دریا است، نه آنکه به حقیقت همان هم دسترسی پیدا کنیم بلکه فقط به مقداری که بتوانیم بفهمیم.
- نکته دیگر اینکه مرحوم محدث نوری رحمة الله علیه کتابی شریف به نام نجم ثاقب (که به غلط گفته می‌شود نجم الثاقب اگر هم بخواهیم الف و لام بگذاریم باید بگوییم: النجم الثاقب) دارند که ایشان این کتاب را به امر استادش میرزای شیرازی رحمة الله علیه صاحب فتوای تنباکو تألیف کرده است. مرحوم استاد، حاج آقای حلبی خیلی به خواندن این کتاب تأکید داشتند و الحق و الإنصاف خواندن این کتاب مساوی ۲۰ کتاب در مهدویت است به خاطر مطالب فراوان و ارزنده‌ای که در آن است. این بزرگوار در این کتاب در باب سوم، فصل دوم وارد گفتگو در خصائص امام زمان علیه السلام می‌شود و در این بخش چهل و شش خصیصه از خصائص ایشان را بیان می‌کند. که خود من هم بعد از اینکه این بخش را مطالعه کردم، ده، دوازده تایی دیگری را به آن اضافه کردم. منظور از خصیصه در اینجا، صفاتی است که مخصوص امام زمان علیه السلام است و در باره‌ی باقی اهل بیت علیهم السلام ذکر نشده است.

■ مثال: مقام پیامبر ﷺ مسلماً برترین مقام است و باقی معصومین علیهم السلام با ایشان از جهت رتبه و مقام قابل قیاس نیستند. اما در عین حال در سید الشهداء علیهم السلام ویژگی‌هایی است که درباره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله بیان نشده است. اصطلاحاً می‌گویند فضیلت من وجه است نه مطلقاً. مثلاً تربت امام حسین علیه السلام شفا است اما درباره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله بیان نفرمودند.

■ برای امام زمان علیه السلام هم ۴۶ فضیلت در روایات آمده که در باقی معصومین علیهم السلام بیان نشده است.

■ می‌خواهیم ۱۳، ۱۴ تا از اینها را بیان کنم و با بیان آنها، معرفت خود را نسبت به ایشان و تقرب خود را نسبت به خداوند افزایش دهیم. به شرط اینکه هر کدام از این فضائل که بیان می‌شود آن را با یک صلوات خاتمه دهید.

فهرست چهارده فضیلت از فضائل امام زمان علیه السلام

■ کثرت آیات و روایات درباره‌ی امام زمان علیه السلام

← در بین ائمه علیهم السلام غیر از امیرالمؤمنین علیه السلام به اندازه‌ی ایشان، آیه و روایت درباره‌شان نقل نشده است. آیاتی که درباره‌ی ایشان علماً نقل کرده‌اند، حدود ۳۰۰ آیه در شیعه و ۱۰۰ آیه در اهل سنت است. کتاب‌های آیات المهدویة در شیعه زیاد است. درباره‌ی کدام یک از معصومین علیهم السلام این همه آیه سراغ دارید.

← روایات مهدویت در اهل سنت بیش از ۶۰۰ حدیث است و در شیعه بیش از ۲۰۰۰ روایت غیر مکرر است. این همه آیه و روایت درباره‌ی هیچ کدام از معصومین علیهم السلام (غیر از امیرالمؤمنین علیه السلام) حتی سید الشهداء علیه السلام وجود ندارد.

← مثال بزینم: در کتاب بحار الأنوار، مجلد مربوط به بعضی از ائمه علیهم السلام، سه امام در یک مجلد است، درباره‌ی امام رضا علیه السلام، روایات مربوط به ایشان یک مجلد را به خود اختصاص داده است و روایات سید الشهداء علیه السلام، دو مجلد را به خود اختصاص داده است. در موضوع امام زمان علیه السلام، سه جلد از بحار درباره‌ی ایشان است. یعنی حجم روایات مهدوی بیش از روایات باقی ائمه علیهم السلام است. پس می‌توانیم بگوییم که بیشترین تأکید در بین روایات مربوط به امام اول و امام آخر علیهم السلام است.

■ بشارت به امام زمان علیه السلام در کتب آسمانی قبل

← بشارات ظهور امام زمان علیه السلام در همه‌ی کتب آسمانی قبل آمده است. این نکته را هم وضعیت موجود کتب آسمانی به ما نشان می‌دهد (در تورات و انجیل، زبور و اوستا می‌توانیم پیدا کنیم).

← قرآن در آیه ۱۰۵ سوره انبیا می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ». ذکررا معمول مفسیرین، به تورات معنا می‌کنند. روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام داریم که نشان می‌دهد که ذکر خاص تورات نیست. بلکه به مطلق کتب آسمانی که یادآور حق متعال هستند، ذکر می‌گویند.

← پس با این حساب معنایش چنین می‌شود که ما در صحف حضرت ابراهیم علیه السلام، تورات حضرت موسی علیه السلام و... نوشتیم. در همه‌ی آنها نوشتیم که «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ». ارث، مالی است که ابتدائاً مال شما نیست و از دیگری به شما منتقل می‌شود. این عبارت یعنی حاکمیت این کشورها در اختیار پادشاهان و دولتی بوده است که ناصالح بودند. خداوند دولت و حکومت همه را از بین می‌برد و کشورهای ایشان را به عنوان ارث به صالحان واگذار می‌کند. این آیه نشان دهنده‌ی این است که بشارت ایشان در همه کتب آسمانی بوده است.

■ شرافت نسب آن حضرت علیه السلام

← امام زمان علیه السلام از سه یا چهار سو شرافت نسبی دارند. سه تای آنها شرافت معنوی و یکی شرافت ظاهری است. از یک سو نسب ایشان به نبی اکرم و امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیها السلام می‌رسد.

← از سوی دیگر، آن حضرت از دو جهت منسوب به این سه بزرگوار هستند هم از طریق امام حسین علیه السلام و هم از طریق امام حسن علیه السلام. یعنی از طریق پدر حسینی و از طریق مادر (بعد از امام سجاد علیه السلام که همسر ایشان، فاطمه، دختر امام مجتبی علیه السلام و مادر امام باقر علیه السلام بود) حسنی هستند. به همین دلیل حتی در روایات اهل سنت هست که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «منهما مهدی هذه الأمة». یعنی مهدی علیه السلام از هر دوی اینها است.

← از طریق مادر نسلشان به شمعون علیه السلام از پیامبران بنی اسرائیل و وصی حضرت عیسی علیه السلام می‌رسد. بنابراین، از این طریق هم ایشان پیامبرزاده هستند.

← اما شرافت ظاهری ایشان، این است که از دو طریق امپراتورزاده و شاهزاده هستند. از طریق امام سجاد علیه السلام از نسل پادشاهان ساسانی و کسرازاده‌اند و از طریق پدر مادر یعنی یسوعا - که پدر جناب نرجس خاتون است - در واقع ایشان نتیجه‌ی قیصر، امپراتور روم به حساب می‌آیند. یعنی آن کسی را که خداوند می‌خواهد او را امپراتور کل جهان کند، او را از نسل شاهان قرار داده است.

■ درخشش ویژه‌ی نور امام زمان علیه السلام در کنار باقی انوار اهل بیت علیهم السلام

← در سفر معراج روایات متعدد داریم که بعضی از آنها را سنی‌ها هم نقل کردند که پیامبر صلی الله علیه و آله در ساق عرش انوار دوازده امام علیهم السلام را دیدند که نور حضرت صاحب الزمان علیه السلام در میان باقی انوار مانند یک ستاره متأللی بود و جلوه‌ی برتر و بالاتری داشت. این روایت را مرحوم محدث نوری رحمه الله علیه در نجم ثاقب از ۵، ۶ طریق نقل کرده است که طریق سنی هم دارد. جناب میرحامد حسین رحمه الله علیه در کتاب عبقات الانوار - که یکی از مجلداتشان درباره‌ی حدیث نور است و بحث انوار اهل بیت علیهم السلام را از طرق اهل سنت مطرح می‌کند - این روایت را آورده است.

← معراج جسمانی امام زمان علیه السلام

← در مورد چهارده معصوم غیر از پیامبر صلی الله علیه و آله، معراج جسمانی نقل شده نداریم (نمی‌گوییم نبوده، می‌گوییم نقل نشده است).

← معراج جسمانی پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از نبوتشان و قبل از میلاد حضرت زهرا علیها السلام بوده است چرا که وجود جسمانی ایشان از سببی گرفته شد که ایشان در بهشت در معراج تناول کردند و هرگاه به بهشت مشتاق می‌شدند، حضرت زهرا علیها السلام را می‌بوییدند.

← زمانی که امام زمان علیه السلام به دنیا آمدند، این طفل را به امر حضرت عسکری علیه السلام بردند نزد پدر، ایشان امر کردند پسر من سخن بگو! ایشان به سبک حضرت عیسی علیه السلام به سخن گفتن پرداختند و به پدرانشان یک یک شهادت دادند و به خودشان رسیدند و از امامت خود هم یاد کردند. بعد دو فرشته آمدند و این قنداقه‌ی چند ساعته را بردند به عرش اعلی.

← در آنجا خداوند عز و جل خطاب به این قنداقه بیانی فرمود که بسیار قابل تأمل است. فرمود: مرحبا به تو ای بنده‌ی من! برای نصرت دین من و اظهار امر من و مهدی بندگان من. سوگند می‌خورم که به تو مؤاخذه

می‌کنم و به تو عطا می‌کنم و به تو می‌آمزم و به تو عذاب می‌کنم.

← بیان خداوند متعال که خطاب به ایشان تمام شد، دو ملک قنداقه را گرفتند و به نزد مادرش در زمین برگرداندند. یعنی خداوند به هر که لطف می‌کند به خاطر صاحب الزمان علیه السلام است. از هر کسی لطف خود را منع می‌کند به خاطر دشمنی و انکار آن فرد نسبت به امام زمان علیه السلام است.

▪ برتری مقام امام زمان علیه السلام بر امامان از نسل امام حسین علیه السلام

← اگر بخواهیم در روایات تفحص کنیم و مراتب معصومین علیهم السلام را با هم مقایسه کنیم. البته از یک جهت ایشان نور واحد و حجت الاهی و مفترض الطاعة هستند.

← البته از جهتی هم با هم تفاوت در مقام دارند: «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ».

← در مقام ثانی که مقایسه مقامات ایشان با هم است و از عقل و درک ما بالاتر است و اگر خود ایشان نمی‌فرمودند، ما چیزی نمی‌فهمیدیم.

← رتبه‌ی اول مربوط به پیامبر صلی الله علیه و آله و رتبه‌ی دوم مربوط به امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام است.

← رتبه‌ی سوم مربوط به امام حسن علیه السلام است که روایات ما ایشان را از امام حسین علیه السلام بالاتر می‌دانند.

← رتبه‌ی چهارم مربوط به امام حسین علیه السلام است.

← رتبه‌ی بعد مربوط به امام زمان علیه السلام است که صریح چند روایت است که از فرزندان امام حسین علیه السلام امام زمان علیه السلام از بقیه افضل است: تاسعهم أفضلهم.

▪ امام زمان علیه السلام برپاکننده‌ی وعده‌های الاهی

← امام زمان علیه السلام در میان کل حجج الاهی تنها کسی است که برپاکننده‌ی وعده‌های الاهی و اجرا کننده‌ی مواعیدی است که خداوند به پیامبران و اولیا و مظلومان تاریخ عطا کرده است. این اجرا کننده، پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام نیستند، بلکه اجرا را خداوند به ایشان عطا کرده است.

← بیند قرآن می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه، ۳۳؛ صف، ۹).

← خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را با دین حق به سوی بشر فرستاده و با هدایت همراه کرده است تا پیامبر صلی الله علیه و آله را بر همه‌ی ادیان غالب گرداند اما این غلبه و چیرگی توسط خود ایشان نیست بلکه توسط فرزندان امام زمان علیه السلام است.

← بنابراین، این بزرگترین افتخار و مزیت برای امام زمان علیه السلام است که انجام وعده‌های الاهی توسط ایشان انجام می‌شود. قرآن که در سوره‌ی نور ۴ وعده به مؤمنین می‌دهد:

◀ خلافت جهانی (که حضرت داوود علیه السلام و حضرت سلیمان علیه السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام به صورت جزئی و در بخشی از زمین داشتند، همان خلافت به طور کامل به امام زمان علیه السلام داده می‌شود.

◀ دینی را که از آن خداوند راضی است که همان دین روز غدیر است، آن دین را خداوند به قدرت و حاکمیت می‌رساند. ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در همه‌ی دنیا چیره خواهد بود.

◀ امنیت جهانی، دیگر خوفی وجود نخواهد داشت چرا که حکومت ایشان رغیبی ندارد و قانون اجرا

می شود و فقر و جهل از بین می رود.

◀ همه خداپرست می شوند. بنابراین، برای اولین بار توحید به طور کامل در جهان اجرا خواهد شد. یعنی توحید به هدفش می رسد که «ما خلقت الجن و الإنس الا ليعبدون»

■ بوسه زدن جبرئیل به دست امام زمان علیه السلام

← هنگامی که جناب جبرئیل ظهور امام زمان علیه السلام را از بام کعبه، در زمانی که کسی جز خداوند از آن با خبر نیست اعلام می کند فریادی می زند که همه ی مردم دنیا می شنوند و همه ی ایشان مفاد این صدا را می فهمند! حتی در روایت داریم که کسانی که خوابند (احتمالا در آن لحظه نصف مردم دنیا خوابند) می شنوند و می فهمند آنچه را که جبرئیل علیه السلام ندا می دهد. یکی از نشانه هایی که زمینه را برای پذیرش مردم و نرم شدن دل ایشان برای امام زمان علیه السلام فراهم می کند، همین صیحه ی آسمانی جناب جبرئیل علیه السلام است.

← بعد از این کار، جبرئیل علیه السلام که طاووس ملائکه است از بام کعبه پایین می آید و بردست امام زمان علیه السلام بوسه می زند. این روایت را ابن صباغ مالکی در کتاب الفصول المهمة که از کتب معروف و مهم اهل سنت است نقل کرده است. این روایت نشان می دهد که مقام امام زمان علیه السلام از همه ی ملائکه ی مقرب به مراتب بالاتر است.

■ اقتدای حضرت عیسی علیه السلام به امام زمان علیه السلام

← بعد از اینکه ایشان ظهور کردند، حضرت عیسی علیه السلام از آسمان چهارم - که بعد از فرارشان از دست کسانی که قصد جانشان را کرده بودند به آنجا عروج کردند - نازل می شود.

← ایشان در نماز صبح به امام زمان علیه السلام اقتدا می کنند. شیعه و سنی مشترکا این روایت را نقل کرده اند. علامه ی شوکانی دانشمند وهابی بزرگ یمنی کتابی دارد در اثبات تواتر روایات اقتدای حضرت عیسی علیه السلام به حضرت مهدی علیه السلام. یعنی این روایت در بین اهل سنت بسیار مشهور است.

← این روایت نشان می دهد که مقام امام زمان علیه السلام از پیامبران اولوالعزم مانند حضرت عیسی علیه السلام به جز پیامبر خاتم صلوات الله علیه بالاتر است. علت هم معلوم است که مقام امامت فوق مقام نبوت است. حضرت ابراهیم علیه السلام به ترتیب اول عبد بود، بعد نبی شد، بعد رسول شد، بعد خلیل شد و بعد امام شد. پس مقام امامت از همه ی مقام های دیگر بالاتر است. اهل سنت که امامت را قبول ندارند، گیر می کنند که چه بگویند.

← بعضی از ایشان یک توجیه دور از عقل ارائه می دهند که حضرت عیسی علیه السلام به جد امام زمان علیه السلام یعنی پیامبر صلوات الله علیه از طریق او اقتدا می کند. توجیهی از این بی پایه تر نمی توان سراغ داشت که کسی از ورای این همه قرن در نماز واجب به پیامبر صلوات الله علیه اقتدا کند. اصلا این کار با فقه اهل سنت سازگار است. چرا که این مسئله نشان دهنده ی فضیلت و برتری ایشان است به همین دلیل نمی توانند این مسئله را توجیه کنند. در روایات اهل سنت تعارفی هم ذکر شده که در روایات شیعه نیست. زمان نماز که می شود امام زمان علیه السلام به حضرت عیسی علیه السلام تعارف می کنند که شما بفرمایید و متقابلا حضرت عیسی علیه السلام به ایشان تعارف می کند. سرانجام امام زمان علیه السلام جلومی ایستند و نماز می خوانند.

← بعضی از افراد کم اطلاع می گویند بخاری و مسلم روایات مهدویت را ندارند. اتفاقا دارند. هر دو این حدیث را از ابوهریره نقل کرده اند که «کیف أنتم إذا نزل ابن مریم فیکم و إمامکم منکم» یعنی حال شما چگونه است آن

زمانی که حضرت عیسی علیه السلام از آسمان به زمین نازل می شود اما نه برای امامت و پیشوایی بلکه در آن زمان امام شما یکی از شما است یعنی حضرت مهدی علیه السلام.

■ ارزشمندی خدمت به امام زمان علیه السلام

← جناب نعمانی شاگرد جناب کلینی رحمة الله علیه است که در تدوین و استنساخ کتاب کافی با کلینی رحمة الله علیه همکاری داشته است لذا به ایشان کاتب نعمانی گویند. او قبل از دوره ی جناب صدوق رحمة الله علیه است. او کتابی دارد به نام الغیبة که از ارزشمندترین تک نگاری های مهدویت بلکه اولین تک نگاری در این موضوع است. در این کتاب این روایت را از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمودند: «لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي» اگر من زمان حیات و حاکمیت ایشان را درک می کردم، نه یک سال و دو سال، بلکه کل عمرم را به صاحب الزمان علیه السلام خدمت می کردم. مقام خادم برتر است یا مخدوم؟ مسلماً مقام مخدوم بالاتر است.

← یک رمز این روایت در مباحث قبلی بود - که امام زمان علیه السلام در میان نه فرزند معصوم سیدالشهدا علیه السلام برترند - .

← رمزدیگر روایت در این است که خدمت کردن و یاری امام زمان علیه السلام مقام بلندی است که ارزشش فوق العاده ای دارد که امام صادق علیه السلام متقاضی این ارزش و مقام هستند. لذا قدر خدمات خود را به امام زمان علیه السلام در ایام جشن ها و در ایام سال در کلاس ها و در مقابله با دشمنان ایشان بدانیم که کم مقامی نیست. مقامی که حضرت صادق علیه السلام آرزوی این مقام را دارند. این روایت نشان می دهد که مقام امام زمان علیه السلام از حضرت صادق علیه السلام برتر است.

■ استحباب برپاخواستن هنگام ذکر لقب قیام کننده ی امام زمان علیه السلام

← زمانی که دعبل خزاعی، شاعر اهل بیت علیهم السلام، به محضر امام رضا علیه السلام رسید برای اینکه در محضر ایشان قصیده ی خود را در شأن اهل بیت علیهم السلام تلاوت کند، آخرین بیت آن مربوط به امام زمان علیه السلام بود. در آن قصیده دعبل از حضرت مهدی علیه السلام با لقب قائم یاد کرده بود. و حضرت رضا علیه السلام با شنیدن این لقب به پاخواستند. این کار، الآن در بین شیعیان دنیا سنت است.

← من به استانبول برای دیدن یکی از علمای علوی آنجا رفته بودم. علوی ها یکی از فرق شیعه هستند و باطنی هستند و به ظاهر دین اعتنا نمی کنند. گفتم می خواهم در یکی از مجالس شما شرکت کنم. گفت اتفاقاً می خواستم شما را به یکی از این مجالس دعوت کنم. روز هفتم محرم مجلس مفصلی داشتند که شاید ۱۰۰۰ نفر در آن شرکت کرده بودند. بعد از پایان مجلس، گوینده به یک یک چهارده معصوم سلام داد و همه ی جمعیت هم همین کار را کردند. تا رسید به امام زمان علیه السلام، در این لحظه، همه ی جمعیت دوبرابر شما حاضرین خم شدند دقیقاً به حالت رکوع. به ایشان سلام کردند و برای ظهورشان دعا کردند و مجلس تمام شد. یعنی این سنت رضوی در کل جامعه ی شیعه وجود دارد و اختصاصی به ایران ندارد. حضرت رضا علیه السلام این اکرام امام زمان علیه السلام را در زمانی انجام دادند که حدود ۵۵ سال قبل از میلاد امام زمان علیه السلام بود. این اکرام باز هم بیان گرفضیلت بلند امام زمان علیه السلام و برتری ایشان نسبت به معصومین دیگر از نسل امام حسین علیه السلام است.

■ برگردن نداشتن بیعت هیچ ظالمی

← ائمه ی ما حتی شخص پیامبر صلی الله علیه و آله به دلیل ضعف و نقص یاران در مماشات و تحت حاکمیت ظلمه به

ناچار زندگی می‌کردند. پیامبر ﷺ ۱۳ سال ظلم قریش را تحمل کرد. امیرالمؤمنین ﷺ ۲۵ سال در تحت حاکمیت غاصبین خلافت زندگی کردند. امام مجتبیٰ ﷺ به ناچار با معاویه صلح کردند و حکومت را به ایشان واگذار کردند. حضرت سیدالشهدا ﷺ گرچه در شش ماه آخر عمرشان با یزید جنگیدند ولی ۱۰ سال در زمان دولت معاویه با او مماشات کردند. بیعت طاغوتی مانند معاویه برگردن امام حسین ﷺ بود. باقی ائمه تا حضرت عسکری ﷺ هم همین طور بودند. تنها معصومی که او بیعت هیچ ظالمی را برگردن ندارد و از مماشات با همه‌ی ظلمه آزاد است، امام زمان ﷺ هستند و ایشان به این صفت مخصوصند.

← زمانی که امام مجتبیٰ ﷺ به ناچار با معاویه صلح کردند که اگر چنین نمی‌کردند، معاویه شیعه را نابود می‌کرد و امامت را ریشه‌کن می‌کرد و الآن تشیع ما ریشه در صلح امام حسن ﷺ دارد. خوارج که تندروهای آن زمان بودند، به خدمت امام حسن ﷺ می‌آمدند و به خاطر صلح ایشان، به ایشان اهانت می‌کردند. حضرت مجتبیٰ ﷺ در جوابشان، مفصل فرمودند که بخشی از آن به این صورت است که آیا شما نمی‌دانید که همه‌ی پدران ما در بیعت با طاغوت زمانشان بودند مگر آن شخصیتی که عیسی بن مریم ﷺ در نماز به او اقتدا می‌کند. یعنی چه می‌گویید؟! شما از من توقع مهدی را نداشته باشید. آن کسی که با هیچ ظالمی بیعت نمی‌کند، نه منم، نه پدرانم و نه فرزندانم.

← این مقام اختصاص به ایشان دارد. بنابراین، ویژگی عدم بیعت با طواغیت که یکی از ویژگی‌های جنبی غیبت امام زمان ﷺ است، مخصوص به ایشان است.

▪ مَحَبَّتِ امام زمان ﷺ و مَوَدَّتِ ایشان

← بنا بر آیه‌ی مودت «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» که در جواب کسانی نازل شد که می‌خواستند به ازای زحمات پیامبر ﷺ به ایشان پول و حقوق و مقرری معین کنند. قرآن به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که به ایشان چنین جواب بده که من در قبال رسالت از شما اجر و مزد و پول نمی‌خواهم مزد و اجر رسالت من، جایگزین زحمات هدایت پول نیست، بلکه مودت و محبت ضروری و واجب نسبت خویشاوندان نزدیکم است که اولینشان امیرالمؤمنین ﷺ و حضرت زهرا ﷺ و آخرینشان حضرت مهدی ﷺ است. ایشان قربای پیامبرند و به صریح این آیه مودت ایشان واجب است.

← تا اینجا مشترک بین همه‌ی دوازده امام است. روایتی داریم از روایات قدسی که خداوند به پیامبر ﷺ بعد از نشان دادن انوار قدسی اهل بیت ﷺ درباره‌ی امام زمان ﷺ می‌فرماید که «يَا مُحَمَّدُ أَحْبِبْنِي فَإِنِّي أُحِبُّهُ وَأُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ» من که خدایم او را دوست دارم و دوست دار دوستداران اویم. یعنی در جمع ما، هر که صاحب الزمانی تر باشد، تقرب بیشتری به درگاه خداوند دارد. هر که بیشتر از امام زمان ﷺ دم بزند بیشتر محبوب خداوند است. محبت قلبی هر کسی که بالاتر و بیشتر باشد، در مواقع برزخ و قیامت، مقام و منزلت بالاتری خواهد داشت. لذا محبت ایشان خاصتا در این روایت قدسی مورد توجه است.

▪ مورد انتظار بودن امام زمان ﷺ و فضیلت آن

← در ایام غیبت فضیلتی بالاتر از انتظار ظهور امام زمان ﷺ نداریم. عملی بالاتر از انتظار ظهور ایشان نداریم بلکه جهادی هم بالاتر از این کار نداریم. روایات این بحث آن قدر زیاد و روشن است که مشهور فرهنگ تشیع است: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ» یا «أَفْضَلُ عِبَادَةِ أُمَّتِي» یا «أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي» انتظار الفرج. یعنی هیچ نماز شبی به پای انتظار نمی‌رسد. هیچ تلاوت قرآنی و هیچ امر خیر و پرو معروفی از کمک به فقرا

و یتیمان ... به پای انتظار فرج نمی‌رسد. انتظار بالاترین اعمال و عبادات است.

← انتظار چیست؟ کلمات روشن و بدیهی را اگر بخواهیم ترجمه کنیم، به روشنی آنها افزوده که نمی‌شود هیچ، بلکه ممکن است مبهم‌تر هم بشود. مثلاً به شما بگویم: نور عبارت است از یک حقیقتی که کاشف از ظلمات است. ممکن است شما بگویید کاشف یعنی چی؟ ظلمت یعنی چه؟ این که بدتر شد! همان نور بهتر بود. یا بگویم آب مایعی است جاری برای رفع تشنگی در طبیعت! این عبارت از خود آب، فهمش مشکل‌تر است. انتظار را همه می‌فهمیم و نیاز به ترجمه نیست. کسانی که می‌گویند انتظار مذهب اعتراض، دارند یکی از آثار انتظار را به عنوان کل انتظار مطرح می‌کنند. این غلط است. انتظار همیشه اعتراض نیست. بلکه در بعضی شرایط اجتماعی، انتظار با اعتراض همراه است نه اینکه همیشه این طور باشد.

← انتظار ذات و مفهومش روشن است: بی‌صبری و ترقب یک فرد برای یک واقعه می‌شود انتظار. در خیابان می‌بینیم که رفیقمان ایستاده مرتب به ساعتش نگاه می‌کند، به راست و چپ نگاه می‌کند، زیر زبان دعا می‌خواند. از او می‌پرسیم که منتظر کسی هستی؟ از کجا این را فهمیدیم؟ از آنجا که بی‌صبری او را برای یک حادثه یا واقعه مشاهده کردیم.

← انتظار فرج هم همین است که بی‌صبر حکومت و ظهور امام زمان علیه السلام باشیم. بی‌صبر برپایی حق باشیم. قلباً طالب و بی‌قرار آن باشیم. این انتظار که یک عمل قلبی است، افضل اعمال و عبادات و جهاد است.

← حالا این بی‌صبری و طلب قلبی بازتاب‌هایی دارد که یکی از بازتاب‌هایش دعا است. کسی که بی‌صبر ایشان باشد، برای ظهورشان زیاد دعا می‌کند. کما اینکه خود ایشان هم در توقیعی فرمودند: «وَأَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ» برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید!

← اگر کسی در روز دو استکان چایی بخورد، آیا گفته می‌شود زیاد چایی خورده است؟ نه! فرض کنید که کسی در روز ۵۰ استکان چایی بخورد، می‌گویند زیاد می‌خورد. پس سالی یک بار یا ماهی یک بار یا هفته‌ای یک بار و یا حتی روزی یک بار، دعا کردن برای امام زمان علیه السلام زیاد دعا کردن نیست. کسی که در روز لا اقل ۵۰، ۶۰ بار برای ایشان دعا کند. آن هم نه لقلقه‌ی زبان انتظار یک امر قلبی است نه زبانی. یعنی قلب باید طالب این مطلب باشد و از سویدای دل باید آه کشید برای این موضوع. با هر صحنه‌ی ظلمی که برخورد می‌کنید، وقتی در اخبار می‌شنوید که فلان جا جنگ و خونریزی است فلان جا شیعه را کشتند و فلان جا انفجار است و فلان جا تفرقه است ... باید به یادمان بیاید که اگر امام زمان علیه السلام ظهور بفرماید، همه‌ی اینها مرتفع می‌شود. اینها باید یادآور انتظار ما از حکومت حق باشد. پس صفت انتظار را در خود افزایش دهید تا این برترین اعمال امت نصیبتان بشود.